

امثال

بیشتر قسمت کتاب «امثال» توسط سلیمان، خردمندترین مرد جهان، نوشته شده است. موضوع اصلی کتاب را می‌توان بطور خلاصه در فصل اول، آیات 7 و 8 و 9 یافت: «نخستین قدم برای کسب دانش، خداترسی است. کسی که حکمت و ادب را خوار می‌شمارد، احمق است. ای جوان، نصیحت پدربت را بشنو و از تعلیم مادرت رویگردان نشو، زیرا سخنان ایشان مانند تاج و جواهر، سیرت تو را زیبا خواهند ساخت.»

بیشتر قسمت‌های امثال از کارهای شخص دانا و حکیم سخن می‌گوید و آنها را با کارهای شخص نادان و احمق مقایسه می‌کند؛ مانند این آیه: «آدم نادان فکر می‌کند هر کاری می‌کند درست است و احتیاج به نصیحت ندارد، اما شخص دانا به نصایح دیگران گوش می‌دهد» (12: 15).

اغلب امثال با بهره‌گیری از گفتار متضاد، واقعیت‌های زندگی روزانه را جلوه‌گر می‌سازد. «خبرچین هر جا می‌رود اسرار دیگران را فاش می‌کند، ولی شخص امین اسرار را در دل خود مخفی نگه می‌دارد» (11: 13).

کتاب امثال دو نوع انسان را به ما معرفی می‌کند، انسانی که فقط بدنبال ارضای نفس خودش است و انسانی که می‌خواهد رضای خداوند را کسب کند. این کتاب به خواننده بینش می‌بخشد تا خردمندانه زندگی کند.

ارزش مثلها

1 مثل‌های سلیمان، پادشاه اسرائیل، که پسر داود بود:

2 این مثلها به شما کمک خواهند کرد تا حکمت و ادب بیاموزید و بتوانید معنی سخنان پرمغز را درک کنید. 3 آنها به شما یاد خواهند داد چگونه رفتار عاقلانه داشته باشید و با صداقت و عدالت و انصاف عمل کنید. 4 این مثلها به جاهلان حکمت می‌بخشند و به جوانان فهم و بصیرت. 5 کجا شنیدن و درک این مثلها، حتی دانیان داناتر می‌شوند و دانشمندان چاره‌اندیشی کسب می‌کنند تا بتوانند معانی گفتار پیچیده حکیمان را بفهمند.

نصیحت به جوانان

7 نخستین قدم برای کسب دانش، خداترسی است. کسی که حکمت و ادب را خوار می‌شمارد، احمق است. 8 ای جوان، نصیحت پدربت را بشنو و از تعلیم مادرت رویگردان نشو، 9 زیرا سخنان ایشان مانند تاج و جواهر، سیرت تو را زیبا خواهند ساخت.

10 وقتی نگاه‌کاران تو را وسوسه می‌کنند، تسلیم نشو. 11 اگر آنها به تو بگویند: «بیا در کمین مردم بنشینیم و آنها را بکشیم» 12 و مانند قبر، آنها را ببلعیم و از هستی ساقط کنیم؛ 13 از این راه ما اشیاء قیمتی فراوان به چنگ خواهیم آورد و خانه‌های خود را از این غنایم پر خواهیم ساخت؛ 14 هر چه به دست بیاوریم به تساوی بین خود تقسیم خواهیم کرد؛ پس بیا و با ما همدست شو! 15 پسرم تو با آنها نرو و خود را از چنین افرادی دور نگه‌دار؛ 16 زیرا آنها همیشه در پی گناه و قتل هستند. 17 یک پرندۀ وقتی می‌بیند برایش دام گذاشته‌اند، از آن دوری می‌کند. 18 ولی این افراد اینطور نیستند. آنها خودشان را به دام می‌اندازند و با دست خود گور خود را می‌کنند. 19 این است سرنوشت تمام کسانی که در پی سود نامشروع هستند. چنین اشخاص خود را نابود می‌کنند.

ندای حکمت

20 حکمت در کوچه‌ها ندا می‌دهد. 21 مردم را که در سر چهارراه‌ها و نزد دروازه شهر جمع شده‌اند صدا

کرده، می‌گوید: ²²«ای احمق‌ها! تا کی می‌خواهید احمق بمانید؟ تا کی می‌خواهید دانایی را مسخره کنید و از آن متفرب باینید؟²³ اگر سرزنش مرا می‌پذیرفتید من روح خود را بر شما نازل می‌کردم و شما را دانا می‌ساختم.²⁴ بپارها شما را صدا کردم ولی توجه نکردید، التماس نمودم اما اعتنا نمودید.²⁵ شما نصیحت و نکوهش مرا نپذیرفتید.²⁶ من نیز در روز مصیبتان به شما خواهم خندید، و هنگامی که بلا

دامگیرتان شود شما را مسخره خواهم کرد.²⁷ وقتی بلا مانند طوفان شما را فرا گیرد و مصیبت مثل گردباد شما را احاطه کند، و سختی و بختی شما را از پای درآورد،²⁸ به داد شما نخواهم رسید، و اگر چه با اشتیاق بدنبال بگردید، مرا نخواهید یافت؛²⁹ زیرا از دانایی متفرب بوده‌اید و از خداوند اطاعت

نکرده‌اید.³⁰ نصیحت مرا گوش نگرفته‌اید و نکوهش مرا نپذیرفته‌اید.³¹ بنابراین ثمره راهی را که در پیش گرفته‌اید نخواهید دید.³² زیرا سرکشی احمقان، ایشان را خواهد کشت و بی‌خیالی نادانان آنها را از پای در خواهد آورد.³³ ولی همه کسانی که به من گوش دهند، از هیچ بلایی نخواهند ترسید و در امنیت زندگی خواهند کرد.»

نصیحت به جوانان

پسرم، چیزهایی را که به تو آموخته‌ام هرگز فراموش نکن. اگر می‌خواهی زندگی خوب و

3

طولانی داشته باشی، بدقت از دستورات من پیروی کن.³ محبت و راستی را هرگز فراموش نکن بلکه آنها را برگردنت بیاویز و بر صفحه دلَت بنویس،⁴ اگر چنین کنی هم خدا از تو راضی خواهد بود هم انسان. ⁵تبا تمام دل خود به خداوند اعتماد کن و بر عقل خود تکیه نمنا.⁶ هر کاری که انجام می‌دهی خدا را در نظر داشته باش و او در تمام کارهایت تو را موفق خواهد ساخت.

⁷به حکمت خود تکیه نکن بلکه از خداوند اطاعت نما و از بدی دوری کن،⁸ و این مرهمی برای زخم‌هایت بوده، به تو سلامتی خواهد بخشید.

⁹از دارایی خود برای خداوند هدیه بیاور، نوبر محصولت را به او تقدیم نما و به این وسیله او را احترام کن.¹⁰ آنگاه انبارهای تو پر از وفور نعمت

کرده، می‌گوید: ²²«ای احمق‌ها! تا کی می‌خواهید احمق بمانید؟ تا کی می‌خواهید دانایی را مسخره کنید و از آن متفرب باینید؟²³ اگر سرزنش مرا می‌پذیرفتید من روح خود را بر شما نازل می‌کردم و شما را دانا می‌ساختم.²⁴ بپارها شما را صدا کردم ولی توجه نکردید، التماس نمودم اما اعتنا نمودید.²⁵ شما نصیحت و نکوهش مرا نپذیرفتید.²⁶ من نیز در روز مصیبتان به شما خواهم خندید، و هنگامی که بلا دامگیرتان شود شما را مسخره خواهم کرد.²⁷ وقتی بلا مانند طوفان شما را فرا گیرد و مصیبت مثل گردباد شما را احاطه کند، و سختی و بختی شما را از پای درآورد،²⁸ به داد شما نخواهم رسید، و اگر چه با اشتیاق بدنبال بگردید، مرا نخواهید یافت؛²⁹ زیرا از دانایی متفرب بوده‌اید و از خداوند اطاعت

پاداش حکمت

ای پسرم، اگر به سخنانم گوش بدهی و ²دستوراتم را اطاعت کنی،² به حکمت گوش فرا دهی و طالب دانایی باشی،³ و اگر بدنبال فهم و بصیرت بگردی⁴ و آن را مانند نقره بطلبی تا به چنگ آری،⁵ آنگاه خدا را خواهی شناخت و اهمیت خداترسی را خواهی آموخت.⁶ خداوند بخشنده حکمت است و سخنان دهان او به انسان فهم و دانش می‌بخشد.

⁷او به آدمهای خوب و درستکار کمک می‌کند و از آنها محافظت می‌نماید.⁸ او از اشخاص با انصاف و خدانشناس حمایت می‌کند.

⁹اگر به سخنانم گوش بدهی، خواهی فهمید که عدالت، انصاف و صداقت چیست و راه درست کدام است.¹⁰ حکمت جزو وجود تو خواهد شد و دانش به تو لذت خواهد بخشید.¹¹ بصیرت و فهم تو، از تو

³³ لعنت خداوند بر بدکاران است، اما برکت و رحمت او شامل حال درستکاران می‌باشد. ³⁴ خداوند مسخرکنندگان را مسخره می‌کند، اما اشخاص فروتن را یاری می‌دهد. ³⁵ انسانیان از عزت و احترام برخوردار خواهند گردید، ولی نادانان رسوا خواهند شد.

مزایای حکمت

4 ای پسرانم، به نصیحت پدر خود گوش دهید و به آن توجه کنید تا دانا شوید. ² پندهای من مفید است؛ آنها را به خاطر بسپارید. ³ من هم زمانی جوان بودم؛ پیری داشتم و تنها فرزند عزیز مادرم بودم. ⁴ پدرم به من پند می‌داد و می‌گفت: «اگر حرفهای مرا بشنوی و به آنها عمل کنی، زنده خواهی ماند.» ⁵ حکمت و بصیرت کسب کن. سخنان مرا فراموش نکن و از آنها منحرف نشو. ⁶ حکمت را ترک نکن، زیرا از تو حمایت خواهد کرد. آن را دوست دار که از تو محافظت خواهد نمود. ⁷ حکمت از هر چیزی بهتر است؛ به هر قیمتی شده آن را به دست بیاور. ⁸ اگر برای حکمت ارزش قابل شوی، او نیز تو را سربلند خواهد نمود. اگر حکمت را در آغوش بگیری او به تو عزت خواهد بخشید ⁹ و تاج عزت و افتخار بر سرت خواهد نهاد.»

¹⁰ پسریم به من گوش کن و آنچه به تو می‌گویم بپذیر تا عمری طولانی داشته باشی. ¹¹ من به تو حکمت آموختم و تو را بسوی راستی هدایت نمودم. ¹² وقتی راه روی مانعی بر سر راهت نخواهد بود و چون بدوی پایت نخواهد لغزید. ¹³ آنچه را که آموخته‌ای حفظ کن و آن را از دست نده؛ آن را نگذار، زیرا حیات توست. ¹⁴ به راه بدکاران نرو و از روش گناهکاران پیروی ننما. ¹⁵ از آنها دوری کن و روی خود را از آنان بگردان و به راه خود برو؛ ¹⁶ زیرا ایشان تا بدی نکنند نمی‌خواهند و تا باعث لغزش و سقوط کسی نشوند آرام نمی‌گیرند. ¹⁷ خوراک آنها ظلم و شرارت است.

¹⁸ راه درستکاران مانند سپیده صبح است که رفته‌رفته روشنتر می‌شود تا سرانجام به روشنایی

خواهد شد و خمره‌هایت از شراب تازه لبریز خواهد گردید.

¹¹ پسریم، وقتی خداوند تو را تأدیب و تنبیه می‌کند، از او آزرده خاطر نشو، زیرا تنبیه کردن او دلیل محبت اوست. ¹² همانطور که هر پدری پسر محبوب خود را تنبیه می‌کند تا او را اصلاح نماید، خداوند نیز تو را تأدیب و تنبیه می‌کند.

¹³ خوشبحال کسی که حکمت و بصیرت پیدا می‌کند؛ ¹⁴ او از کسی که طلا و نقره یافته خوشبخت‌تر است! ¹⁵ ارزش حکمت از جواهرات بیشتر است و آن را نمی‌توان با هیچ گنجی مقایسه کرد. ¹⁶ حکمت به انسان زندگی خوب و طولانی، ثروت و احترام می‌بخشد. ¹⁷ حکمت زندگی تو را از خوشی و سلامتی لبریز می‌کند. ¹⁸ خوشبحال کسی که حکمت را به چنگ آورد، زیرا حکمت مانند درخت حیات است.

¹⁹ خداوند به حکمت خود زمین را بنیاد نهاد و به عقل خویش آسمان را برقرار نمود. ²⁰ به علم خود چشمه‌ها را روی زمین جاری ساخت و از آسمان بر زمین باران بارانید.

²¹ پسریم، حکمت و بصیرت را نگاهدار و هرگز آنها را از نظر خود دور نکن؛ ²² زیرا آنها به تو زندگی و عزت خواهند بخشید، ²³ و تو در امنیت خواهی بود و در راهی که می‌روی هرگز خواهی لغزید؛ ²⁴ آنها خیال راحت و بدون ترس خواهی خوابیدی؛ ²⁵ از بلایی که بطور ناگهانی بر بدکاران نازل می‌شود، خواهی ترسیدی؛ ²⁶ و خداوند تو را حفظ کرده، نخواهد گذاشت در دام بلا گرفتار شوی.

²⁷ اگر می‌توانی به داد کسی که محتاج است برسی، کمک خود را از او دریغ مدار. ²⁸ هرگز به همسایه‌ات مگو: «برو فردا بیا»، اگر همان موقع می‌توانی به او کمک کنی. ²⁹ علیه همسایه‌ات که با خیال راحت در جوار تو زندگی می‌کند توطئه نکن. ³⁰ یا کسی که به تو بدی نکرده است بی‌جهت دعوا نکن. ³¹ به اشخاص ظالم حسادت نکن و از راه و روش آنها پیروی ننما، ³² زیرا خداوند از اشخاص کجرو نفرت دارد، اما به درستکاران اعتماد می‌کند.

کامل روز تبدیل می‌گردد،¹⁹ اما راه بدکاران مثل سیاهی شب است. بدکاران می‌افتند و نمی‌دانند چه چیز باعث افتادنشان شده است.

²⁰ ای پسر، به آنچه که به تو می‌گویم بدقت گوش بده. ²¹ سخنان مرا از نظر دور ندار، بلکه آنها را در دل خود حفظ کن، ²² زیرا سخنان من به شنونده حیات و سلامتی کامل می‌بخشد. ²³ مواظب افکار باش، زیرا زندگی انسان از افکارش شکل می‌گیرد. ²⁴ دروغ و ناراستی را از دهان خود دور کن. ²⁵ چشمان خود را به هدف بدوز و به اطراف توجه نکن. ²⁶ مواظب راهی که در آن قدم می‌گذاری باش. همیشه در راه راست گام بردار تا در امان باشی. ²⁷ از راه راست منحرف نشو و خود را از بدی دور نگه‌دار.

هشدار در مورد زنا

ای پسر، به سخنان حکیمانه من گوش کن و به بصیرت من توجه نما. ² آنگاه خواهی دانست چگونه درست رفتار کنی، و سخنان تو نشان خواهد داد که از دانایی برخوردار هستی. ³ زن بدکاره چرب زبان است و سخنان او مانند عسل شیرین می‌باشد؛ ⁴ ولی عاقبت جز تلخی و درد چیزی برای تو باقی نمی‌گذارد. ⁵ زن بدکاره تو را بسوی مرگ و جهنم می‌کشاند، ⁶ زیرا او از راه زندگی منحرف شده و سرگردان است و نمی‌داند به کجا می‌رود. ⁷ ای جوانان، به من گوش دهید و آنچه را که می‌خواهم به شما بگویم هرگز فراموش نکنید: ⁸ از چنین زنی دوری کنید. حتی به در خانه‌اش هم نزدیک نشوید، ⁹ مبادا در دام و سوسه‌هایش گرفتار شوید و حیثیت خود را از دست بدهید و بقیه عمر خویش را صرف کسی کنید که رحم و شفقت ندارد. ¹⁰ مبادا غریبه‌ها اموال شما را تصاحب نمایند و ثمره زحمت شما از آن دیگران شود، ¹¹ و عاقبت بیمار شده، از شدت درماندگی بنالید ¹² و بگویید: «کاش که گوش می‌دادم! کاش که تسلیم هوی و هوسهایم نمی‌شدم!» ¹³ چرا به نصایح معلمانم گوش ندادم؟ چرا خواهد آورد.

هشدارهای گوناگون

ای پسر، اگر ضامن کسی شده‌ای و تعهد **6** کرده‌ای که او قرضش را پس بدهد، ¹ و اگر با این تعهد، خود را گرفتار ساخته‌ای، ² تو در واقع اسیر او هستی و باید هر چه زودتر خود را از این دام رها سازی. پس فروتن شو و نزد او برو و از او خواهش کن تا تو را از قید این تعهد آزاد سازد. ³ خواب به چشمانت راه نده و آرام ننشین، ⁴ بلکه مانند آهویی که از چنگ صیاد می‌گریزد یا پرنده‌ای که از دامی که برایش نهاده‌اند می‌رهد، خود را نجات بده. ⁵ ای آدمهای تنبل، زندگی مورچه‌ها را مشاهده کنید و درس عبرت بگیرید. ⁶ آنها ارباب و رهبر و رئیسی ندارند، ⁷ ولی با این همه در طول تابستان زحمت می‌کشند و برای زمستان آذوقه جمع می‌کنند. ⁸ ای امای آدم تنبل، کار تو فقط خوابیدن است. پس کی می‌خواهی بیدار شوی؟ ⁹ ای می‌گویی: «بگذار کمی بیشتر بخوابم! بگذار استراحت کنم.» ¹⁰ اما بدان که فقر و تنگدستی مانند راهزنی مسلح بر تو هجوم خواهد آورد.

اموالش تمام شود.³² اما کسی که مرتکب زنا می‌شود احمق است، زیرا جان خود را تباه می‌کند.³³ او را خواهند زد و رسوایی تا ابد گریبانگیر او خواهد بود؛³⁴ زیرا آتش خشم و حسادت شوهر آن زن شعلور می‌گردد و با بی‌رحمی انتقام می‌گیرد.³⁵ او تاوانی قبول نخواهد کرد و هیچ هدیه‌ای خشم او را فرو نخواهد نشاند.

دوری از زن فاحشه

7 پسر، نصایح مرا بشنو و همیشه آنها را به یاد داشته باش.² اوامر مرا به جا آور تا زنده بمانی. تعلیم مرا مانند مردمک چشم خود حفظ کن.³ آن را آویزه گوش خود بساز و در اعماق دل خود نگهدار.⁴ حکمت را خواهر خود بدان و بصیرت را دوست خود.⁵ بگذار حکمت، تو را از رفتن بدنبال زنان هرزه و گوش دادن به سخنان فریبنده آنان باز دارد.

⁶ یک روز از پنجره خانه‌ام بیرون را تماشا می‌کردم.^{7,8,9} یکی از جوانان احمق و جاهل را دیدم که در تاریکی شب از کوچه‌ای که در آن خانه زنی بدکار قرار داشت، می‌گذشت.¹⁰ آن زن در حالیکه لباس وسوسه‌انگیزی بر تن داشت و نقشه‌های پلیدی در سر می‌پروراند، بسویش آمد.^{11,12} (او زن گستاخ و بی‌شرمی بود و اغلب در کوچه و بازار پرسه می‌زد تا در هر گوشه و کناری مردان را بفریبید.)¹³ آن زن بازوان خود را به دور گردن جوان حلقه کرده، او را بوسید و با نگاهی هوس‌انگیز به او گفت:¹⁴ «امروز نذر خود را ادا کردم و گوشت قربانی در خانه آماده است.¹⁵ پس برای یافتن تو از خانه بیرون آمدم. در جستجوی تو بودم که تو را دیدم.^{16,17} بر رختخوابم ملافه‌های رنگارنگ از پارچه حریر مصر پهن کرده‌ام و آن را با عطرها و خوشبو معطر ساخته‌ام.¹⁸ بیا از یکدیگر لذت ببریم و تا صبح از عشق سیر شویم.¹⁹ شوهرم در خانه نیست و به سفر دوری رفته است.²⁰ به اندازه کافی با خود پول برده و تا آخر ماه بر نمی‌گردد.»

¹² آدم رذل و بدطینت که دایم دروغ می‌گوید،¹³ و برای فریب دادن مردم با ایما و اشاره حرف می‌زند،¹⁴ و در فکر پلید خود پیوسته نقشه‌های شرورانه می‌کشد و نزاع برپا می‌کند،¹⁵ ناگهان دچار بلای علاج‌ناپذیری می‌گردد که او را از پای در می‌آورد.^{16,19} هفت چیز است که خداوند از آنها نفرت دارد: نگاه متکبرانانه، زبان دروغگو،

دستهایی که خون بی‌گناه را می‌ریزند، فکری که نقشه‌های پلید می‌کشد، پاهایی که برای بدی کردن می‌شتابند، شهادی که دروغ می‌گوید، شخصی که در میان دوستان تفرقه می‌اندازد.

هشدار در مورد زنا

²⁰ ای پسر من، اوامر پدر خود را به جا آور و تعالیم مادرت را فراموش نکن.²¹ سخنان ایشان را آویزه گوش خود نما و نصایح آنها را در دل خود جای بده.²² اندرزهای ایشان تو را در راهی که می‌روی هدایت خواهند کرد و هنگامی که در خواب هستی از تو مواظبت خواهند نمود و چون بیدار شوی با تو سخن خواهند گفت؛²³ زیرا تعالیم و تأدیب‌های ایشان مانند چراغی پر نور راه زندگی تو را روشن می‌سازند.²⁴ نصایح ایشان تو را از زنان بدکاره و سخنان فریبنده‌شان دور نگه می‌دارد.

²⁵ دلپاخته زیبایی اینگونه زنان نشو. نگذار عشوگرگی‌های آنها تو را وسوسه نماید؛²⁶ زیرا زن فاحشه تو را محتاج نان می‌کند و زن بدکاره زندگی تو را تباه می‌سازد.²⁷ آیا کسی می‌تواند آتش را در بر بگیرد و نسوزد؟²⁸ آیا می‌تواند روی زغالهای داغ راه برود و پاهایش سوخته نشود؟²⁹ همچنان است مردی که با زن دیگری زنا کند. او نمی‌تواند از مجازات این گناه فرار کند.

³⁰ اگر کسی به دلیل گرسنگی دست به زدی بزند مردم او را سرزنش نمی‌کنند،³¹ با اینحال وقتی به دام بیفتد باید هفت برابر آنچه که زدیده است جریمه بدهد، ولو اینکه این کار به قیمت از دست دادن همه

حرم، اموال و موفقیت در اختیار من است.¹⁹ بخششهای من از طلای ناب و نقره خالص بهتر است.²⁰ راههای من عدل و حق است.²¹ ثروت حقیقی از آن کسانی است که مرا دوست دارند، زیرا من خزانه‌های ایشان را بر می‌سازم.

²² «خداوند در ابتدا، قبل از آفرینش عالم هستی، مرا با خود داشت.²³ از ازل، پیش از به وجود آمدن جهان من به وجود آمدم.²⁴ قبل از پیدایش اقیانوسها و چشمه‌های پر آب،²⁵ قبل از آنکه کوهها و تپه‌ها به وجود آیند،²⁶ قبل از آنکه خدا زمین و صحراها و حتی خاک را بیافریند من به وجود آمدم.

²⁷ «وقتی خدا آسمان را استوار ساخت و افق را بر سطح آنها کشید من آنجا بودم.²⁸ وقتی ابرها را در آسمان گسترانید و چشمه‌ها را از اعماق جاری نمود،²⁹ وقتی حدود دریاها را تعیین کرد تا آنها از آن تجاوز نکنند و وقتی اساس زمین را بنیاد نهاد،³⁰ من نزد او معمار بودم. موجب شادی همیشگی او بودم و در حضورش شادی می‌کردم.³¹ دنیا و انسانیایی که او آفریده بود مایه خوشی من بودند.³² پس ای جوانان به من گوش دهید، زیرا همه کسانی که از دستورات من پیروی می‌کنند سعادت‌مندند.

³³ «به نصیحت من گوش کنید؛ عاقل باشید و نصیحت مرا رد نکنید.³⁴ خوشحال کسی که به من گوش دهد و هر روز جلو در خانه من انتظار مرا بگذرد،³⁵ زیرا هر که مرا بیاید حیات را یافته و خداوند را خشنود ساخته است؛³⁶ اما کسی که مرا از دست بدهد به جانش لطمه می‌زند، آنانی که از من منتظر باشند مرگ را دوست دارند.»

حکمت و حماقت

9 حکمت کاخی بنا کرده است که هفت ستون دارد.² او مهمانی بزرگی ترتیب داده و انواع شرابها و خوراکیها را آماده کرده است³ و کنیزان خود را فرستاده، تا بر بلندترین مکان شهر بایستند و ندا سر دهند: «ای آدمهای جاهل و نادان بیباید و از خوراک و شرابی که آماده کرده‌ام بخورید.»⁴ راه

²¹ به این ترتیب با سخنان فریبده و وسوسه‌انگیزش آن جوان را اغوا کرد؛²² بطوری که او مثل گاو که به کشتارگاه می‌رود، چون گوزن به دام افتاده‌ای که در انتظار تیری باشد که قلبش را بشکافد، بدنبال آن فاحشه رفت. او مثل پرنده‌ای است که به داخل دام می‌پرد و نمی‌داند در آنجا چه سرنوشتی در انتظارش است.²⁴ ای جوانان، به من گوش دهید و به سخنانم توجه کنید.²⁵ نگذارید چنین زنی دل شما را برباید. از او دور شوید، مبادا شما را به گمراهی بکشد.²⁶ او بسیاری را خانه خراب کرده است و مردان زیادی قربانی هوسرانیهای او شده‌اند²⁷ خانه او راهی است بسوی مرگ و هلاکت.

ندای حکمت

8 آیا ندای حکمت را نمی‌شنوید؟³² حکمت دم دروازه‌های شهر و سر چهار راهها و جلو در هر خانه‌ای ایستاده، می‌گوید: «ای انسانهای جاهل و نادان به ندای من گوش دهید و زیرکی و فهم کسب کنید.³⁶ به من گوش دهید، زیرا سخنان من گرانبهاست. من حقیقت و راستی را بیان می‌کنم و از ناراستی نفرت دارم.⁸ سخنان من بر حق است و کسی را گمراه نمی‌کند.⁹ حرفهای من برای کسی که گوش شنوا داشته باشد واضح و روشن است.¹⁰ تعلیمی که من می‌دهم از طلا و نقره گرانبهاتر است.¹¹ ارزش من از یاقوت بیشتر است و هیچ چیز را نمی‌توان با من مقایسه کرد.¹² من حکمت و از زیرکی و دانایی و بصیرت برخوردار می‌باشم.¹³ اگر کسی خداترس باشد، از بدی نفرت خواهد داشت. من از غرور و تکبر، رفتار و گفتار نادرست منتفرم.

¹⁵ «من هدایت می‌کنم و فهم و بصیرت می‌بخشم. به نیروی من پادشاهان سلطنت می‌کنند و قضات به عدل و انصاف قضاوت می‌نمایند.¹⁶ تمام رهبران و بزرگان جهان به کمک من حکمرانی می‌کنند.¹⁷ من کسانی را که مرا دوست دارند، دوست دارم. آنانی که در جستجوی من باشند مرا خواهند یافت.¹⁸ ثروت و

از خود باقی می‌گذارند، اما نام بدکاران به فراموشی سپرده می‌شود.

⁸شخص عاقل پند و اندرز را می‌پذیرد، اما نادان یاومگو هلاک می‌شود.

⁹قدمهای آدم درستکار ثابت و استوار است، ولی شخص کجرو عاقبت می‌لغزد و می‌افتد.

¹⁰پوشاندن حقیقت ناآرامی ایجاد می‌کند، اما سرزنش آشکار آرامش بوجود می‌آورد.

¹¹دهان درستکاران چشمهٔ حیات است، اما دهان شخص بدکار پر از نفرین می‌باشد.

¹²کینه و نفرت باعث نزاع می‌شود، ولی محبت گناه دیگران را می‌بخشد.

¹³اشخاص دانا بخاطر سخنان حکیمانه‌شان مورد ستایش قرار می‌گیرند، اما اشخاص نادان چوب حماقت خود را می‌خورند.

¹⁴در دهان شخص دانا سخنان سنجیده یافت می‌شود، اما آدم نادان سنجیده سخن می‌گوید و خرابی به بار می‌آورد.

¹⁵ثروت شخص ثروتمند او را محافظت می‌کند، اما ببنوایی شخص فقیر او را از پای در می‌آورد.

¹⁶درآمد شخص درستکار به زندگی او رونق می‌بخشد، اما شخص بدکار درآمد خود را در راههای گناه‌آلود بر باد می‌دهد.

¹⁷کسی که تأدیب را می‌پذیرد در راه حیات گام بر می‌دارد، اما کسی که نمی‌خواهد اصلاح گردد، به گمراهی کشیده می‌شود.

¹⁸کسی که کینه‌اش را پنهان می‌کند آدم نادرستی است. شخصی که شایعات بی‌اساس را پخش می‌کند احمق است.

¹⁹پرحرفی، انسان را بسوی گناه می‌کشاند. عاقل کسی است که زیانش را مهار کند.

²⁰سخنان درستکاران مانند نقره گرانبهاست، اما حرفهای بدکاران هیچ ارزشی ندارد.

²¹سخنان خوب درستکاران، دیگران را احیا می‌کند، اما حماقت نادانان باعث مرگ خودشان می‌شود.

²²برکت خداوند انسان را ثروتمند می‌سازد بدون اینکه زحمتی برای وی به بار آورد.

جهالت را ترک گفته، زنده بمانید. راه دانا شدن را پیش بگیرید.»

⁷اگر آدم بدکاری را که همیشه دیگران را مسخره می‌کند تأدیب نمایی، جز اینکه مورد اهانت او واقع شوی نتیجهٔ دیگری نخواهد داشت. ⁸پس او را به حال خود واگذار چون اگر بخواهی به او کمک کنی از تو منتفر می‌شود؛ اما اگر شخص دانا را تأدیب کنی تو را دوست خواهد داشت. ⁹اگر آدم دانا را نصیحت کنی داناتر می‌شود و اگر به آدم درستکار تعلیم بدهی علمش بیشتر می‌گردد؛ ¹⁰زیرا خداترسی اساس حکمت است و شناخت خدای مقدس انسان را دانا می‌کند. ¹¹حکمت عمرت را زیاد می‌کند. ¹²اگر حکمت داشته باشی سودش به خودت می‌رسد و اگر حکمت را ناپیچ بشماری به خودت زیان می‌رسانی.

¹³حماقت مانند زنی وراج و گستاخ و ابله می‌باشد. ¹⁴او دم در خانه‌اش می‌نشیند و یا در بلندترین مکان شهر می‌ایستد ¹⁵و رهگذرانی را که از آنجا عبور می‌کنند صدا می‌زند ¹⁶و به اشخاص جاهل و نادان می‌گوید: «پیش من بیایید. ¹⁷آب دزدی شیرین است و نان دزدی لذیذ.» ¹⁸آنها نمی‌دانند که عاقبت کسانی که به خانهٔ او می‌روند مرگ و هلاکت است.

مثلهای سلیمان

10 پسر عاقل پدرش را شاد می‌سازد، اما پسر نادان باعث غم مادرش می‌گردد.

²ثروتی که از راه نادرست به دست آمده باشد نفعی به انسان نمی‌رساند، اما درستکاری به او سعادت دایمی می‌بخشد.

³خداوند نمی‌گذارد مرد درستکار گرسنگی بکشد و یا مرد شریر به آرزوی خود برسد.

⁴آدمهای تبیل، فقیر می‌شوند، ولی اشخاص فعال ثروتمند می‌گردند.

⁵کسی که بموقع محصول خود را برداشت می‌کند عاقل است، اما کسی که موقع برداشت محصول می‌خواهد مایهٔ ننگ است.

⁶بر سر درستکاران برکت‌هاست، اما وجود بدکاران از ظلم و لعنت پوشیده است. ⁷نیکان خاطرهٔ خوبی

⁷ آدم خدانشناس وقتی بمیرد همه امیدهایش از بین می‌رود و انتظاری که از قدرتش داشت نقش بر آب می‌شود.

⁸ مرد درستکار از تنگنا رهایی می‌یابد و مرد بدکار بجای او گرفتار می‌شود.

⁹ حرفهای مرد خدانشناس انسان را به هلاکت می‌کشاند، اما حکمت شخص درستکار او را از هلاکت می‌رهاند.

¹⁰ تمام شهر برای موفقیت آدم خوب شادی می‌کنند و از مرگ آدم بد خوشحال می‌شوند.

¹¹ از برکت وجود خدانشناسان شهر ترقی می‌کند، اما شرارت بدکاران موجب تباهی آن می‌شود.

¹² کسی که در باره دیگران با تحقیر صحبت می‌کند آدم نادانی است. آدم عاقل جلو زبان خود را می‌گیرد.

¹³ خبرچین هر جا می‌رود اسرار دیگران را فاش می‌کند، ولی شخص امین، اسرار را در دل خود مخفی نگه می‌دارد.

¹⁴ بدون رهبری خردمندانه، ملت در زحمت می‌افتد؛ اما وجود مشاوران زیاد امنیت کشور را تضمین می‌کند.

¹⁵ ضامن آدم غریب نشو چون ضرر خواهی دید. اگر می‌خواهی در دسر نیفتی ضامن کسی نشو.

¹⁶ زن نیکو سیرت، عزت و احترام به دست می‌آورد، اما مردان قوی فقط می‌توانند ثروت به چنگ آورند.

¹⁷ مرد رحیم به خودش نفع می‌رساند، اما آدم ستمگر به خودش لطمه می‌زند.

¹⁸ ثروت شخص بدکار، موقتی و ناپایدار است، ولی اجرت آدم خوب جاودانی است.

¹⁹ شخص درستکار از حیات برخوردار می‌شود، اما آدم بدکار بسوی مرگ می‌رود.

²⁰ خداوند از افراد بدطینت متنفر است، ولی از درستکاران خشنود می‌باشد.

²¹ مطمئن باش بدکاران مجازات خواهند شد، اما درستکاران رهایی خواهند یافت.

²² زیبایی در زن نادان مانند حلقه طلا در پوزه گراز است.

²³ آدم نادان از عمل بد لذت می‌برد و شخص دانا از حکمت.

²⁴ آنچه بدکاران از آن می‌ترسند بر سرشان می‌آید، اما نیکان به آرزوی خود می‌رسند.

²⁵ بلا و مصیبت چون گردباد از راه می‌رسد و بدکاران را با خود می‌برد، اما شخص درستکار مانند صخره، پابرجا می‌ماند.²⁶ هرگز از آدم تبیل نخواه برای تو کاری انجام دهد؛ او مثل دودی است که به چشم می‌رود و مانند سرکه‌ای است که دندان را کند می‌کند.

²⁷ خدائرسی سالهای عمر انسان را زیاد می‌کند، اما شرارت از عمر او می‌کاهد.

²⁸ امید درستکاران به شادی می‌انجامد، اما امید بدکاران برباد می‌رود.

²⁹ خدا برای نیکان قلعه‌ای محافظ است، اما او بدان را هلاک خواهد کرد.

³⁰ درستکاران همیشه از امنیت برخوردار خواهند بود، اما بدکاران بر زمین، زنده نخواهند ماند.

³¹ از دهان درستکاران غنچه‌های حکمت می‌شکفتد، اما زبان دروغگویان از ریشه‌کنده خواهد شد.

³² افراد درستکار همیشه سخنان خوشایند بر زبان می‌آورند، اما دهان بدکاران از حرفهای نیشدار پر است.

خداوند از قلب و کلاهبرداری متنفر است،

11

ولی درستکاری و صداقت را دوست دارد.

² تکبر باعث سرفکندگی می‌شود، پس دانا کسی است که فروتن باشد.

³ صداقت مرد درستکار راهنمای اوست، اما نادرستی شخص بدکار، او را به نابودی می‌کشاند.

⁴ در روز دآوری مال و ثروت به داد تو نمی‌رسد، اما صداقت می‌تواند تو را از مرگ برهاند.

⁵ صداقت درستکاران راهشان را هموار می‌کند، اما بدکاران در زیر بار سنگین گناهان خود از پا در می‌آیند.

⁶ صداقت نیکان آنها را نجات می‌دهد، ولی بدکاران در دام خیانت خود گرفتار می‌شوند.

⁶ حرفهای بدکاران مردم را به دام هلاکت می‌کشاند، اما سخنان نیکان مردم را رهایی می‌بخشد.

⁷ بدکاران نابود می‌شوند، اما نیکان پایدار می‌مانند.

⁸ آدم عاقل را همه می‌ستایند، اما شخص کوتاه‌فکر را حقیر می‌شمارند.

⁹ بهتر است انسان شخص مهمی به حساب نیاید اما زندگی او تأمین باشد تا اینکه خود را آدم بزرگی نشان دهد ولی محتاج نان باشد.

¹⁰ شخص خدانشناس حتی به فکر آسایش حیواناتش نیز هست، اما رحم و مروت خدانشناسان چیزی بجز ستمگری نیست.

¹¹ هر که در زمین خود زراعت کند نان کافی خواهد داشت، اما کسی که وقت خود را به بیهودگی بگذراند آدم احمقی است.

¹² اشخاص خدانشناس چشم طمع به اموالی که بدکاران غارت کرده‌اند دارند، در حالیکه خدانشناسان از اموال خود به یکدیگر کمک می‌کنند.

¹³ دروغ انسان را در دام گرفتار می‌کند، ولی راستی و صداقت موجب خلاصی می‌گردد.

¹⁴ پاداش تو بستگی به گفتار و رفتار تو دارد. هر چه بکاری همان را درو خواهی کرد.

¹⁵ آدم نادان فکر می‌کند هرکاری می‌کند درست است و احتیاج به نصیحت ندارد، اما شخص دانا به نصایح دیگران گوش می‌دهد.

¹⁶ آدم نادان در مقابل توهین دیگران زود عصبانی می‌شود، ولی شخص دانا خونسردی خود را حفظ می‌کند.

¹⁷ وقتی که حقیقت را می‌گویی عدالت اجرا می‌گردد، اما دروغ به بی‌عدالتی منجر می‌شود.

¹⁸ هستند کسانی که با حرفهای نسنجیده خود زخم زبان می‌زنند، ولی سخنان مرد دانا تسکین دهنده و شفا بخش است.

¹⁹ عمر دروغ کوتاه است، اما حقیقت تا بد پایدار می‌ماند.

²⁰ افکار توطئه‌گران پر از نیرنگ است، اما دل‌های آنانی که خیراندیش هستند آکنده از شادی می‌باشند.

²¹ هیچ بدی به خدانشناسان نمی‌رسد، اما بدکاران همیشه گرفتار بلا می‌شوند.

²² آرزوی نیکان همیشه برآورده می‌شود، اما خشم خدا در انتظار بدکاران است.

²⁴ هستند کسانی که با سخاوت خرج می‌کنند و با این وجود ثروتمند می‌شوند؛ و هستند کسانی که بیش از اندازه جمع می‌کنند، اما عاقبت نیازمند می‌گردند.

²⁵ شخص سخاوتمند کامیاب می‌شود و هر که دیگران را سیراب کند خود نیز سیراب خواهد شد.

²⁶ کسی که غله‌اش را احتکار می‌کند تا به قیمت گرانتتری بفروشد، مورد نفرین مردم قرار خواهد گرفت، ولی دعای خیر مردم همراه کسی خواهد بود که غله خود را در زمان احتیاج به آنها می‌فروشد.

²⁷ اگر در پی نیکی باشی مورد لطف خدا خواهی بود، ولی اگر بدبنیان بدی بروی جز بدی چیزی نصیبت نخواهد شد.

²⁸ کسی که بر ثروت خود تکیه کند خواهد افتاد، اما درستکاران که بر خدا تکیه می‌کنند مانند درخت سبز شکوفه خواهند آورد.

²⁹ شخص نادانی که باعث ناراحتی خانواده‌اش می‌شود سرانجام هستی خود را از دست خواهد داد و برده دانایان خواهد شد.

³⁰ ثمره کار خدانشناسان حیات‌بخش است و تمام کسانی که مردم را بسوی نجات هدایت می‌کنند دانا هستند.

³¹ اگر درستکاران پاداش اعمال خود را در این دنیا می‌یابند، بدون شک گناهکاران و بدکاران نیز بسزای اعمال خود می‌رسند.

کسی می‌تواند دانا شود که تأدیب را دوست داشته باشد. هر که از اصلاح شدن نفرت داشته باشد احمق است.

² خداوند از اشخاص نیک خوشنود است، اما کسانی را که نقشه‌های پلید می‌کشند محکوم می‌کند.

³ انسان با کارهای بد نمی‌تواند برای خود امنیت به وجود آورد، اما اشخاص درستکار پابرجا خواهند ماند.

⁴ زن خوب، تاج سر شوهرش است، ولی زن بی‌حیا مانند خوره جان او را می‌خورد.

⁵ انسان خوب فکرش پر از درستکاری است، اما فکر آدم بدکار انباشته از دروغ و نیرنگ است.

⁹زندگی شخص نیک مانند چراغی نورانی می‌درخشد، ولی زندگی گناهکاران مثل چراغی است که در حال خاموشی است.

¹⁰تکبر باعث نزاع می‌شود، ولی شخص دانا نصیحت را می‌پذیرد.

¹¹ثروتی که از راه نادرست به دست بیاید طولی نمی‌کشد که از دست می‌رود؛ اما دارایی که با کار و کوشش جمع شود، بتدریج زیاد می‌گردد.

¹²آرزویی که انجام آن به تعویق افتاده باشد دل را بیمار می‌کند، اما برآورده شدن مراد، شادی و حیات می‌بخشد.

¹³هر که دستوری را که به او داده‌اند خوار بشمارد بی‌سزا خواهد ماند، اما آنکه آن را اطاعت کند پاداش خواهد یافت.

¹⁴تعلیم مرد دانا چشمه حیات است و شخص را از دامهای مرگ می‌رهاند.

¹⁵دانایی، احترام می‌آورد ولی خیانت به هلاکت منتهی می‌شود.

¹⁶مرد دانا سنجیده عمل می‌کند، اما آدم نادان حماقت خود را بروز می‌دهد.

¹⁷اقتصادی که قابل اعتماد نباشد باعث گرفتاری می‌شود، اما پیک امین موجب آرامش است.

¹⁸فقر و رسوایی دامنگیر کسی می‌شود که تأدیب را نمی‌پذیرد، اما شخصی که آن را بپذیرد مورد احترام واقع خواهد شد.

¹⁹برآورده شدن آرزوها لذتبخش است، اما افراد نادان در پی آرزوهای ناپاک خود هستند و نمی‌خواهند از آنها دست بردارند.

²⁰با اشخاص دانا معاشرت کن و دانا خواهی شد، با احقران بنشین و زبان خواهی دید.

²¹بلا دامنگیر گناهکاران می‌شود، اما چیزهای خوب نصیب نیکان می‌گردد.

²²شخص نیک حتی برای نوه‌هایش میراث باقی می‌گذارد، اما ثروتی که گناهکاران اندوخته‌اند به درستی از آن می‌رسد.

²³زمین آدم فقیر ممکن است محصول فراوان بدهد، ولی ظالمان آن را از چنگ او در می‌آورند.

²²خدا کسانی را که به قول خود وفا می‌کنند دوست دارد، ولی از اشخاص بدقول بیزار است.

²³آدم عاقل علم و دانش خود را به نمایش نمی‌گذارد، ولی شخص نادان حماقت خود را آشکار می‌سازد.

²⁴کار و کوشش، انسان را به قدرت می‌رساند؛ اما تنبلی، او را نوکر دیگران می‌سازد.

²⁵غم و غصه انسان را گرانبار می‌کند، اما سخن دلگرم کننده او را سبکبار و شاد می‌سازد.

²⁶شخص درستکار مردم را به راه راست هدایت می‌کند، اما آدم بدکار آنها را منحرف می‌سازد.

²⁷آدم تنبل حتی دنبال شکار خود نیز نمی‌رود. تلاش و کوشش، گنج گرانبهای انسان است.

²⁸راهی که خداشناسان در آن گام بر می‌دارند به حیات منتهی می‌شود و در آن مرگ نیست.

جوان عاقل تأدیب پدر خود را می‌پذیرد، ولی جوانی که همه چیز را به باد مسخره می‌گیرد از پذیرفتن آن سر باز می‌زند.

²سخنان مرد نیک حتی برای خود او نیکوست و جانش را سیر می‌کند، اما شخص بداندیش فقط نشئه ظلم است.

³هر که زبان خود را نگه دارد جان خود را حفظ می‌کند، اما کسی که سنجیده سخن بگوید خود را هلاک خواهد کرد.

⁴آدم تنبل آنچه را که آرزو می‌کند به دست نمی‌آورد، اما شخص کوشا کامیاب می‌شود.

⁵شخص درستکار از دروغ گفتن نفرت دارد، اما آدم دروغگو رسوا و خوار می‌شود.

⁶صدافت درستکاران آنها را حفظ می‌کند، اما شرارت بدکاران آنها را به نابودی می‌کشاند.

⁷هستند کسانی که وانمود می‌کنند ثروتمندند در حالیکه چیزی ندارند، و هستند کسانی که خود را فقیر نشان می‌دهند اما صاحب ثروت هنگفتی می‌باشند.

⁸ثروت شخص پولدار صرف حفاظت جان او می‌شود، اما جان آدم فقیر را خطری تهدید نمی‌کند.

13

¹⁵ آدم ساده لوح هر حرفی را باور می‌کند، اما شخص زیرک سنجیده رفتار نمی‌نماید. ¹⁶ شخص دانا محتاط است و از خطر دوری می‌کند، ولی آدم نادان از روی غرور، خود را به خطر می‌اندازد.

¹⁷ آدم تندخو کارهای احمقانه می‌کند و شخص حیل‌مگر مورد نفرت قرار می‌گیرد.

¹⁸ حماقت نصیب جاهلان می‌شود و دانایی نصیب زیرکان.

¹⁹ بدکاران عاقبت در برابر نیکان سر تعظیم فرود خواهند آورد و محتاج آنان خواهند شد.

²⁰ ثروتمندان دوستان بسیار دارند، اما شخص فقیر را حتی همسایه‌هایش تحقیر می‌کنند.

²¹ خوار شمردن فقرا گناه است. خوشبحال کسی که بر آنها ترحم کند.

²² کسانی که نقشه‌های پلید در سر می‌پروراند گمراه خواهند شد، ولی آنانی که نیت خوب دارند مورد محبت و اعتماد قرار خواهند گرفت.

²³ کسی که زحمت می‌کشد منفعت عایدش می‌شود، ولی آنکه فقط حرف می‌زند فقیر خواهد شد.

²⁴ ثروت نصیب دانایان خواهد شد، اما پاداش احمقان حماقت ایشان است.

²⁵ شاهد راستگو جان مردم را نجات می‌دهد، اما شاهد دروغگو به مردم خیانت می‌کند.

²⁶ کسی که از خداوند می‌ترسد تکیه‌گاه محکمی دارد و فرزندانش در امان خواهند بود.

²⁷ خداترسی چشمهٔ حیات است و انسان را از دامهای مرگ دور نگه می‌دارد.

²⁸ عظمت یک پادشاه بستگی به تعداد مردمی دارد که بر آنها فرمان می‌رانند. پادشاه بدون ملت نابود می‌شود.

²⁹ کسی که صبر و تحمل دارد شخص بسیار عاقلی است، اما از آدم تندخو حماقت سر می‌زند.

³⁰ آرامش فکر به بدن سلامتی می‌بخشد، اما حسادت مانند خوره جان را می‌خورد.

³¹ هر که به فقرا ظلم کند به آفرینندهٔ آنها اهانت کرده است و هر که به فقرا ترحم نماید، به خدا احترام گذاشته است.

²⁴ کسی که فرزند خود را تنبیه نمی‌کند او را دوست ندارد، اما کسی که فرزندش را دوست دارد از تادیب او کوتاهی نمی‌کند.

²⁵ شخص درستکار از خوراکی که دارد می‌خورد و سیر می‌شود، ولی آدم بدکار گرسنگی می‌کشد.

14 زن دانا خانه خود را بنا می‌کند، اما زن نادان بادست خود خانه‌اش را خراب می‌کند.

² کسانی که به راستی عمل می‌کنند به خداوند احترام می‌گذارند، ولی اشخاص بدکار او را تحقیر می‌کنند.

³ احمق چوب حرفهای متکبرانهٔ خود را می‌خورد، ولی سخنان مرد دانا او را محافظت می‌کند.

⁴ اگر در طویله گاو نباشد، طویله تمیز می‌ماند، اما بدون گاو نمی‌توان محصول زیادی به دست آورد.

⁵ شاهد امین دروغ نمی‌گوید، ولی از دهان شاهد ناراست دروغ می‌بارد.

⁶ کسی که همه چیز را به باد مسخره می‌گیرد هرگز نمی‌تواند حکمت پیدا کند، اما شخص فهیم به آسانی آن را به دست می‌آورد.

⁷ از احمقان دوری کن زیرا چیزی ندارند به تو یاد دهند.

⁸ حکمت شخص عاقل راهنمای اوست، اما حماقت احمقان باعث گمراهی آنان می‌شود.

⁹ آدمهای احمق با گناه بازی می‌کنند، اما درستکاران رضایت خدا را می‌طلبند.

¹⁰ تنها دل خود شخص است که تلخی جان او را احساس می‌کند و در شادی او نیز کسی جز خودش نمی‌تواند سهیم باشد.

¹¹ خانهٔ بدکاران خراب می‌شود، اما خیمهٔ درستکاران وسعت می‌یابد.

¹² راهپایی هستند که بنظر انسان راست می‌آیند اما عاقبت به مرگ منتهی می‌شوند.

¹³ خنده نمی‌تواند اندوه دل را پنهان سازد؛ هنگامی که خنده پایان می‌یابد، درد و اندوه بر جای خود باقی می‌ماند.

¹⁴ آدم خدانشناس نتیجهٔ کارهای خود را خواهد دید و شخص نیک از ثمرهٔ اعمال خویش بهره خواهد برد.

¹³دل شاد، چهره را شاداب می‌سازد، اما تلخی دل، روح را افسرده می‌کند.

¹⁴شخص دانا تشنهٔ دانایی است، اما نادان خود را با حماقت سیر می‌کند.

¹⁵انسان وقتی غمگین است همه چیز بنظرش بد می‌آید، اما وقتی دلش شاد است هر چیزی او را خوشحال می‌کند.

¹⁶دارایی کم همراه با خداترسی بهتر است از ثروت هنگفت با اضطراب.

¹⁷ان خشک خوردن در جایی که محبت هست، بهتر است از غذای شاهانه خوردن در جایی که نفرت وجود دارد.

¹⁸آدم تندخو نزاع به پا می‌کند، ولی شخص صبور دعوا را فرو می‌نشاند.

¹⁹راه آدم تنبلی با خارها پوشیده است، اما راه شخص درستکار هموار است.

²⁰فرزند دانا پدرش را خوشحال می‌کند، اما فرزند احمق مادرش را تحقیر می‌نماید.

²¹آدم احمق از کارهای ابلهانه لذت می‌برد، اما شخص فهیمه از راه راست منحرف نمی‌شود.

²²تشنه‌ای که بدون مشورت کشیده شود، با شکست مواجه می‌گردد، اما مشورت بسیار، باعث موفقیت می‌شود.

²³انسان وقتی جواب درست می‌دهد از آن لذت می‌برد. چه عالی است سخنی که بجا گفته شود!

²⁴راه دانایان بسوی حیات بالا می‌رود و آنها را از فرو رفتن به جهنم باز می‌دارد.

²⁵خداوند خانه متکبران را از بین می‌برد، اما ملک بیوه زنان را حفظ می‌کند.

²⁶خداوند از نقشه‌های پلید منتفر است، ولی افکار پاک مورد پسند او می‌باشند.

²⁷کسی که دنبال سود نامشروع می‌رود به خانواده‌اش لطمه می‌زند، اما شخصی که از رشوه نفرت دارد زندگی خوبی خواهد داشت.

²⁸آدم خوب قبل از جواب دادن فکر می‌کند، اما آدم بد زود جواب می‌دهد و مشکلات به بار می‌آورد.

³²خدانشناسان وقتی بمیرند پناهگاهی دارند، اما گناهکاران بوسیله گناهان خودشان تباه می‌شوند.

³³اشخاص فهیمه حکمت را در دل خود حفظ می‌کنند، اما آدمهای نادان آن را به نمایش می‌گذارند.

³⁴درستکاری مایه سرفرازی یک قوم است و گناه مایه رسوایی آن.

³⁵پادشاه از خدمتگزاران کاردان خشنود می‌گردد، ولی کسانی که دردرس ایجاد می‌کنند مورد غضب او واقع می‌شوند.

15

جواب ملایم خشم را فرو می‌نشاند، اما جواب تند آن را بر می‌انگیزاند.

²از زبان مرد دانا حکمت می‌چکد، اما از دهان آدم نادان حماقت بیرون می‌آید.

³خدا همه جا را زیر نظر دارد و ناظر اعمال نیکان و بدان است.

⁴سخنان آرامش‌بخش حیات می‌بخشد، اما حرفهای تند باعث دلشکستگی می‌شوند.

⁵شخص نادان نصیحت پدر خود را خوار می‌شمارد، ولی فرزند عاقل تأدیب پدرش را می‌پذیرد.

⁶خانهٔ شخص درستکار از ثروت مملو است، اما دسترنج آدمهای بدکار برای ایشان تلخکامی به بار می‌آورد.

⁷حکمت توسط دانایان منتشر می‌شود نه بوسیلهٔ احمقانی که در آنها راستی نیست.

⁸خداوند از قربانی‌های بدکاران نفرت دارد، اما از دعای درستکاران خشنود است.

⁹خداوند از اعمال بدکاران منتفر است، اما پیروان راستی را دوست می‌دارد.

¹⁰کسانی که راه راست را ترک گفته‌اند تنبیه سختی در انتظارشان است و اگر نخواهند تنبیه و اصلاح شوند خواهند مرد.

¹¹حتی دنیای مردگان از نظر خداوند پنهان نیست، پس آیا انسان می‌تواند افکارش را از او پنهان کند؟

¹²کسی که کارش مسخره کردن است از نزدیک شدن به افراد دانا خودداری می‌کند چون دوست ندارد سرزنش آنها را بشنود.

¹¹ خداوند می‌خواهد در معاملات خود از ترازو و سنگهای درست استفاده کند. این اصل را خداوند بر قرار کرده است.

¹² پادشاهان نمی‌توانند ظلم کنند، زیرا تخت سلطنت از عدالت برقرار می‌ماند.

¹³ پادشاهان اشخاص راستگو را دوست دارند و از وجود ایشان خشنود می‌شوند.

¹⁴ خشم پادشاه پیک مرگ است ولی مرد عاقل آن را فرو می‌نشانند.

¹⁵ شادی و رضایت پادشاه مانند ابر بهاری است که حیات به ارمغان می‌آورد.

¹⁶ به دست آوردن حکمت و دانایی بهتر است از اندوختن طلا و نقره.

¹⁷ راه خداشناسان دور از هر نوع بدی است و هر که در این راه گام بردارد جان خود را حفظ خواهد کرد.

¹⁸ غرور منجر به هلاکت می‌شود و تکبر به سقوط می‌انجامد.

¹⁹ بهتر است انسان متواضع باشد و با ستم‌دیدگان بنشیند تا اینکه میان متکبران باشد و در غنایم آنها سهیم شود.

²⁰ آنانی که کلام خداوند را اطاعت کنند سعادت‌مند خواهند شد و کسانی که بر او توکل نمایند برکت خواهند یافت.

²¹ دانا را از فهمش می‌شناسند و عالم را از سخنان دلنشینش.

²² حکمت برای کسانی که از آن برخوردارند چشمه حیات است، ولی حماقت برای نادانان مجازات به بار می‌آورد.

²³ سخنان شخص دانا عاقلانه است و تعالیمی که او می‌دهد مؤثر می‌باشد.

²⁴ سخنان محبت‌آمیز مانند عسل شیرین است و جان انسان را شفا می‌بخشد.

²⁵ راه‌هایی هستند که بنظر انسان راست می‌آیند، اما عاقبت به مرگ منتهی می‌شوند.

²⁶ گرسنگی خوب است زیرا تو را وادار می‌کند که برای رفع آن کار کنی.

²⁹ خداوند از بدکاران دور است، ولی دعای نیکان را می‌شنود.

³⁰ دیدن صورت شاد و شنیدن خبر خوش به انسان شادی و سلامتی می‌بخشد.

³¹ کسی که انتقادهای سازنده را بپذیرد، جزو دانایان به حساب خواهد آمد.

³² کسی که تأدیب را نپذیرد به خودش لطمه می‌زند، ولی هر که آن را بپذیرد دانایی کسب می‌کند.

³³ خداترسی به انسان حکمت می‌آموزد و فروتنی برای او عزت و احترام به بار می‌آورد.

انسان نقشه‌های زیادی می‌کشد، اما نتیجه نهای آنها در دست خداست.

16

² تمام کارهای انسان بنظر خودش درست است، اما انگیزه‌ها را خداوند می‌بیند.

³ نقشه‌های خود را به دست خداوند بسپار، آنگاه در کارهایت موفق خواهی شد.

⁴ خداوند هر چیزی را برای هدف و منظوری خلق کرده است. او حتی بدکاران را برای مجازات آفریده است.

⁵ خداوند از اشخاص متکبر نفرت دارد و هرگز اجازه نخواهد داد آنها از مجازات فرار کنند.

⁶ درستکار و با محبت باش که خدا گناهت را خواهد بخشید. از خداوند بترس که بدی از تو دور خواهد شد.

⁷ وقتی کسی خدا را خشنود می‌سازد، خدا کاری می‌کند که حتی دشمنان آن شخص نیز با وی از در صلح و آشتی در آیند.

⁸ مال کم که از راه درست به دست آمده باشد بهتر است از ثروت هنگفتی که از راه نادرست فراهم شده باشد.

⁹ انسان در فکر خود نقشه‌ها می‌کشد، اما خداوند او را در انجام آنها هدایت می‌کند.

¹⁰ فرمان پادشاه مانند وحی قطعی است، پس او نیاید در داوری اشتباه کند.

¹⁰ یک ملامت به شخص فهیم اثرش بیشتر است از صد ضربه شلاق به آدم احمق.

¹¹ بدکاران فقط در پی باغیگری هستند بنابراین بشدت مجازات خواهند شد.

¹² روبرو شدن با ماده خرسی که بچه‌هایش را از او گرفته‌اند بهتر است از روبرو شدن با شخص نادانی که گرفتار حماقت شده است.

¹³ اگر خوبی را با بدی تلافی کنی، بلا از خانه‌ات دور نخواهد شد.

¹⁴ شروع کردن دعوا مانند ایجاد رخنه در سد آب است، پس جر و بحث را ختم کن پیش از آنکه به دعوا منجر شود.

¹⁵ خداوند از کسانی که بی‌گناه را محکوم و گناهکار را تبرئه می‌کنند متنفر است.

¹⁶ صرف پول برای آموزش آدم احمق بی‌فایده است، زیرا او طالب حکمت نیست.

¹⁷ دوست واقعی در هر موقعیتی محبت می‌کند و برادر برای کمک بهنگام گرفتاری تولد یافته است.

¹⁸ فقط شخص کم عقل است که ضامن شخص دیگری می‌شود.

¹⁹ شخص سبزی‌مجو گناه را دوست دارد و آدم بلند پرواز خرابی به بار می‌آورد.

²⁰ شخص بداندیش کامیاب نخواهد شد و آدم فریبکار در دام بلا گرفتار خواهد گردید.

²¹ فرزندان احمق مایه غم و غصه والدینش می‌باشند.

²² شادی دل مانند دارو شفابخش است اما روح پژمرده انسان را بیمار می‌کند.

²³ آدم بدکار پنهانی رشوه می‌گیرد و مانع اجرای عدالت می‌شود.

²⁴ هدف مردان عاقل تحصیل حکمت است، اما شخص نادان در زندگی هیچ هدفی ندارد.

²⁵ پسر احمق مایه غصه پدر و تلخکامی مادر است.

²⁶ مجازات کردن نیکان و تنبیه نمودن اشخاص نجیب بخاطر صداقتشان، کار نادرستی است.

²⁷ شخص دانا پرحرفی نمی‌کند و آدم فهیمه آرام و صبور است. ²⁸ آدم احمق نیز اگر سکوت کند و حرف نزند او را دانا و فهیم می‌شمارند.

²⁷ آدم بدکار نقشه‌های پلید می‌کشد و سخنانش مثل آتش می‌سوزاند.

²⁸ شخص بداندیش نزاع به پا می‌کند و آدم سخن چین بهترین دوستان را از هم جدا می‌نماید.

²⁹ آدم ظالم همسایه‌اش را فریب می‌دهد و او را به راه نادرست می‌کشاند.

³⁰ شخص بدکار چشمان خود را می‌بندد و لب‌هایش را جمع می‌کند تا برای انجام مقاصد پلید خود نقشه بکشد.

³¹ عمر طولانی هدیه‌ای است که به نیکان داده می‌شود و موی سفید تاج زیبایی آنهاست.

³² صبر از قدرت بهتر است و کسی که بر خود مسلط باشد از شخصی که شهری را تسخیر نماید برتر است.

³³ انسان قرعه را می‌اندازد، اما حکم آن را خداوند تعیین می‌کند.

خوردن نان خشک در آرامش بهتر است از خوردن غذای شاهانه در خانه‌ای که در آن جنگ و دعوا است.

¹⁷ ¹ برده دانا بر پسر شرور ارباب خود تسلط خواهد یافت و در ارثی که به او می‌رسد شریک خواهد شد.

² طلا و نقره را آتش می‌آزماید و دل انسان را خدا.

³ آدم بدکار از همنشینی با آدمهای بد لذت می‌برد و آدم دروغگو از همنشینی با اشخاص دروغگو.

⁴ مسخره کردن فقرا به منزله مسخره کردن خدایی است که ایشان را آفریده است. کسانی که از غم و بدبختی دیگران شاد می‌شوند بی‌سزا خواهند ماند.

⁵ تاج افتخار پیران نوه‌های ایشان می‌باشند و تاج افتخار فرزندان، پدران ایشان.

⁶ شخص نجیب هرگز دروغ نمی‌گوید و آدم احمق هرگز سخن با ارزش بر زبان نمی‌آورد.

⁷ رشوه در نظر دهنده آن مثل سنگ جادوست که او را در هر کاری موفق می‌سازد.

⁸ کسی که اشتباهات دیگران را می‌پوشاند محبت ایجاد می‌کند، اما آدمی که آنها را افشا می‌کند باعث جدایی دوستان می‌گردد.

¹⁹ به دست آوردن دل برادر رنجیده، سخت‌تر از تصرف یک شهر حصاردار است. منازعه بین دو برادر، دیوار جدایی ایجاد می‌کند.

²⁰ انسان نتیجهٔ حرفهایی را که از دهانش بیرون می‌آید خواهد دید. ²¹ زبان انسان می‌تواند جان او را حفظ کند یا آن را برباد دهد؛ بنابراین او عواقب حرفهایش را خواهد دید.

²² وقتی مردی همسری پیدا می‌کند نعمتی می‌یابد. آن زن برای او برکتی است از جانب خداوند.

²³ درخواست فقرا با التماس توأم است و پاسخ ثروتمندان با خشونت.

²⁴ هستند دوستانی که انسان را به نابودی می‌کشاند، اما دوستی هم هست که از برادر نزدیکتر است.

بہتر است انسان فقیر باشد و با صداقت زندگی کند تا اینکه از راه نادرست ثروتمند شود.

² داشتن دل و جرأت بدون حکمت بی‌فایده است و عجله باعث اشتباه می‌شود.

³ انسان با حماقتش زندگی خود را تباه می‌کند و بعد تقصیر را به گردن خداوند می‌اندازد.

⁴ شخص ثروتمند دوستان بسیار پیدا می‌کند، اما وقتی کسی فقیر می‌شود هیچ دوستی برایش باقی نمی‌ماند.

⁵ شاهد دروغگو بی‌سزا نمی‌ماند و کسی که دایم دروغ می‌یافتد جان سالم بدر نخواهد برد.

⁶ مردم دوست دارند پیش بزرگان، خود شیرینی کنند و با کسانی دوست شوند که بذل و بخشش می‌کنند.

⁷ وقتی انسان فقیر شود حتی برادرانش او را ترک می‌کنند چه رسد به دوستانش، و تلاش او برای باز یافتن آنها بجایی نمی‌رسد.

⁸ هر که در پی حکمت است جاننش را دوست دارد و آنکه برای حکمت ارزش قابل شود سعادتمند خواهد شد.

⁹ شاهد دروغگو بی‌سزا نمی‌ماند و کسی که دایم دروغ می‌یافتد هلاک خواهد شد.

¹⁰ شایسته نیست که آدم احقر در ناز و نعمت زندگی کند و یا یک برده بر امیران حکومت راند.

18 آدم خودخواه خود را از دیگران کنار می‌کشد و با عقاید درستشان مخالفت می‌ورزد.

² آدم احقر برای حکمت ارزش قایل نیست و فقط دوست دارد خود را دانا نشان دهد.

³ گناه ننگ و رسوایی به بار می‌آورد.

⁴ سخنان شخص دانا مانند اقیانوس عمیق است و مثل چشمه گوارا.

⁵ طرفداری از مجرم که باعث می‌شود حق بی‌گناه پایمال شود کار نادرستی است. ⁶ حرفهای آدم احقر، منجر به نزاع و کتک خوردنش می‌شود.

⁷ سخنان احقر چون دومی است که او را به هلاکت می‌کشاند.

⁸ حرفهای آدم سخن‌چین مانند لقمه‌های لذیذی است که با لذت بلعیده می‌شود.

⁹ کسی که در کار سستی می‌کند به اندازهٔ یک خرابکار مخرب است.

¹⁰ اسم خداوند قلعه‌ای است محکم که شخص درستکار به آن پناه می‌برد و در امان می‌ماند؛ ¹¹ اما پناهگاه

ثروتمندان ثروت ایشان است که گمان می‌کنند آنها را محافظت خواهد نمود.

¹² تکبر به سقوط می‌انجامد و فروتنی به سر بلندی.

¹³ چقدر زشت و ابلهانه است که انسان قبل از گوش دادن به سخنی، به آن جواب دهد.

¹⁴ وقتی انسان روحیه‌اش قوی است بیماری را تحمل می‌کند، اما روحیهٔ شکسته را چه کسی می‌تواند تحمل کند؟

¹⁵ اشخاص دانا همیشه مشتاق و آماده کسب حکمتند.

¹⁶ هدیه دادن راه را برای انسان باز می‌کند و او را بحضور اشخاص مهم می‌رساند.

¹⁷ دلایل کسی که در دادگاه اول صحبت می‌کند بنظر درست می‌آید ولی این تا زمانی است که طرف مقابل هنوز دلایلش را ارائه نداده باشد.

¹⁸ اقرعه، دعوا را می‌خواباند و به منازعهٔ بین حریفان زورمند خاتمه می‌دهد.

²⁶پسری که با پدرش بدرفتاری می‌کند و مادرش را از خانه بیرون می‌راند، مایه ننگ و رسوایی است.
²⁷پسرم، از گوش دادن به تعلیمی که تو را از حکمت دور می‌کند خودداری نما.
²⁸شاهد پست و فرومایه عدالت را به بازی می‌گیرد و از گناه کردن لذت می‌برد.
²⁹مسخرکنندگان و احمقان، شدیداً مجازات خواهند شد.

20

شراب انسان را به کارهای احمقانه و می‌دارد و مشروب باعث عربدهکشی می‌شود؛ چه احمقند افرادی که خود را اسیر مشروب می‌کنند.

²غضب پادشاه همچون غرش شیر است. هر که خشم او را برانگیزاند جان خود را به خطر می‌اندازد.
³اجتناب از نزاع برای شخص، عزت می‌آورد. فقط آدمهای احمق هستند که نزاع به پا می‌کنند.
⁴آدم تنبل بموقع زمینش را شخم نمی‌زند، بنابراین در هنگام برداشت محصول هر چه می‌گردد چیزی نمی‌یابد.

⁵پند نیکو در اعماق دل مشورت دهنده مانند آب در ته چاه است و شخص فهمیده آن را بیرون می‌کشد.
⁶بسیارند کسانی که ادعا می‌کنند خوب و باوفا هستند، ولی کیست که بتواند آدم واقعاً باوفایی پیدا کند؟

⁷فرزندان شخص امین و درستکار در زندگی سعادتمند خواهند شد.

⁸پادشاهی که بر مسند قضاوت می‌نشیند بدقت جوانب امر را می‌سنجد و حق را از باطل تشخیص می‌دهد.

⁹کیست که بتواند بگوید: «دل خود را پاک نگه داشته‌ام و از گناه مبرا هستم.»

¹⁰خداوند از اشخاصی که در داد و ستد از وزنه‌ها و پیمانه‌های نادرست استفاده می‌کنند متنفر است.

¹¹حتی کودک را می‌توان از طرز رفتارش شناخت و فهمید که آنچه انجام می‌دهد پاک و درست است یا نه.

¹¹کسی که خشم خود را فرو می‌نشانند عاقل است و آنکه از تقصیرات دیگران چشم‌پوشی می‌کند سرافراز خواهد شد.

¹²غضب پادشاه مانند غرش شیر است، اما خشنودی او مثل شبنمی است که بر سبزه می‌نشیند.

¹³فرزند نادان بلای جان پدرش است و غرغرای زن بهانه‌گیر مثل قطرات آبی است که دایم در حال چکیدن می‌باشند.

¹⁴خانه و ثروت از اجداد به ارث می‌رسد، اما زن عاقل بخشش خداوند است.

¹⁵کسی که تنبل است و زیاد می‌خواهد، گرسنه می‌ماند.

¹⁶احکام خدا را نگهدار تا زنده بمانی، زیرا هر که آنها را خوار بشمارد خواهد مرد.

¹⁷وقتی به فقیر کمک می‌کنی مثل این است که به خداوند قرض می‌دهی و خداوند است که قرض تو را پس خواهد داد.

¹⁸فرزند خود را تا دیر نشده تربیت کن؛ اگر غفلت نمایی زندگی او را تباہ خواهی کرد.

¹⁹اگر کسی تندخویی می‌کند بگذار عواقبش را ببیند و مانع او نشو، چون در غیر اینصورت او به تندخویی خود ادامه خواهد داد.

²⁰اگر به پند و اندرز گوش دهی تا آخر عمرت از حکمت برخوردار خواهی بود.

²¹انسان نقشه‌های زیادی در سر می‌پروراند، اما نقشه‌هایی که مطابق با خواست خدا باشد اجرا خواهد شد.

²²مهربانی شخص باعث محبوبیت او می‌شود. بهتر است شخص فقیر باشد تا اینکه با نادرستی زندگی کند.

²³خداترسی به انسان حیات می‌بخشد و او را کامیاب گردانده از هر بلایی محفوظ می‌دارد.

²⁴آدم تنبل دستش را بطرف بشقاب دراز می‌کند، ولی از فرط تنبلی لقمه را به دهان خود نمی‌گذارد.

²⁵مسخره کننده را تنبیه کن تا مایه عبرت جاهلان شود. اشتباهات شخص فهمیده را به او گوشزد نما تا فهمیدتر شود.

¹⁰تنبیه برای بدن دردناک است اما دل را از بدی پاک می‌کند.

دل پادشاه در دست خداوند است، او آن را

مانند آب جوی، به هر سو که بخواهد هدایت می‌کند. **21**

²تمام کارهای انسان بنظر خودش درست است، اما انگیزه‌ها را خداوند می‌بیند.

³به جا آوردن عدالت و انصاف بیشتر از تقدیم قربانی‌ها خداوند را خشنود می‌سازد.

⁴غرور و تکبر گناهمانی هستند که آدم بدکار توسط آنها شناخته می‌شود.

⁵زیرکی و کوشش، انسان را توانگر می‌کند، اما شنابردگی باعث فقر می‌شود.

⁶گروتی که از راه نادرست به دست آید، هرگز دوام نمی‌آورد. پس چرا باید در این راه جان خود را به خطر بیندازی؟

⁷ظلم بدکارانی که نمی‌خواهند راستی را به جا آورند، عاقبت بسوی خودشان باز می‌گردد و آنان را نابود می‌کند.

⁸راه آدم گناهکار کج است ولی شخص پاک در راستی گام بر می‌دارد.

⁹سکونت در گوشه پشت بام بهتر است از زندگی کردن با زن سنیز مجور در یک خانه مشترک.

¹⁰آدم بدکار ظلم را دوست دارد و حتی همسایه‌اش از دست او در امان نیست.

¹¹جاهلان تا تنبیه شدن مسخرمکندگان را نبینند درس عبرت نمی‌گیرند، اما دانایان تنها با شنیدن می‌آموزند.

¹²خداشناسان از مشاهده خراب شدن خانه بدکاران و هلاکت ایشان پند می‌گیرند.

¹³آنکه فریاد فقیران را نشنیده می‌گیرد در روز تنگدستی خود نیز فریادرسی نخواهد داشت.

¹⁴هدیه‌ای که در خفا داده می‌شود خشم را می‌خواباند و رشوه پنهانی غضب شدید را فرو می‌نشاند.

¹⁵اجرای عدالت برای آدم درستکار شادی‌بخش است، اما برای آدم بدکار مصیبت‌بار.

¹²گوش شنوا و چشم بینا، هر دو بخشش خداوند هستند.

¹³اگر خواب را دوست داشته باشی فقیر می‌شوی؛ پس بیدار بمان تا سیر شوی.

¹⁴خریدار به جنس نگاه می‌کند و می‌گوید: «بد است!» اما بعد از اینکه آن را خرید از آن تعریف می‌کند.

¹⁵سخنان حکیمانه گرانبهارتر از طلا و نادرتر از جواهر است.

¹⁶از کسی که نزد تو ضامن شخص غریبی می‌شود گرو بگیر.

¹⁷نانی که از راه کلاهبرداری به دست می‌آید لذیذ است، اما سرانجام کام را تلخ می‌کند.

¹⁸نقشه‌هایت را بدون مشورت با دیگران عملی نکن و بدون تدبیر به جنگ نرو.

¹⁹آدم سخن‌چین رازها را فاش می‌کند، پس با چنین شخصی معاشرت نکن.

²⁰چراغ زندگی کسی که پدر و مادر خود را لعنت کند، خاموش خواهد شد.

²¹مالی که آسان به دست آمده باشد برکتی نخواهد داشت.

²²بدی را با بدی تلافی نکن، بلکه منتظر باش تا خداوند عمل کند.

²³خداوند از اشخاصی که در داد و ستد از ترازو و سنگهای نادرست استفاده می‌کنند متنفر است.

²⁴خداوند راه زندگی ما را تعیین می‌کند، پس انسان چگونه می‌تواند بفهمد زندگی او به کجا ختم می‌شود؟

²⁵هرگز سنجیده قولی به خداوند نده، زیرا ممکن است گرفتار شوی.

²⁶پادشاه دانا بدکاران را تشخیص می‌دهد و آنها را شدیداً مجازات می‌کند.

²⁷وجدان انسان به منزله چراغ خداوند است که تمام انگیزه‌های پنهانی او را آشکار می‌سازد.

²⁸هرگاه پادشاهی مهربان و درستکار و دادگستر باشد، سلطنتش پایدار می‌ماند.

²⁹شکوه جوانان، قوت ایشان است و عزت پیران، تجربه ایشان.

²دارا و ندار یک وجه مشترک دارند: هر دو آنها را خداوند آفریده است.

³شخص زیرک خطر را پیش‌بینی می‌کند و از آن اجتناب می‌نماید ولی آدم جاهل بسوی آن می‌رود و خود را گرفتار می‌سازد.

⁴ثمره تواضع و خداترسی، ثروت و احترام و عمر طولانی است.

⁵راه اشخاص بدکار از خارها و دامها پوشیده است، پس اگر جان خود را دوست داری از رفتن به راه آنها خودداری کن.

⁶بچه را در راهی که باید بروی تربیت کن و او تا آخر عمر از آن منحرف نخواهد شد.

⁷فقیر اسیر ثروتمند است و قرض گیرنده غلام قرض دهنده.

⁸هر که ظلم بکارد مصیبت درو خواهد کرد و قدرتش در هم خواهد شکست.

⁹شخص سخاوتمندی که غذای خود را با فقرا تقسیم می‌کند، برکت خواهد یافت.

¹⁰مسخره کننده را بیرون بینداز تا نزاع و مجادله و فحاشی خاتمه یابد.

¹¹اگر کسی پاکي قلب را دوست بدارد و سخنانش دلنشین باشد، حتی پادشاه نیز دوست او خواهد شد.

¹²خداوند آدمهای درستکار را محفوظ نگاه می‌دارد، اما نقشه‌های بدکاران را باطل می‌کند.

¹³آدم تنبیل در خانه می‌ماند و می‌گوید: «اگر بیرون بروم شیر مرا می‌خورد.»

¹⁴اسخان زن بدکار مانند یک دام خطرناک است و هر که مورد غضب خداوند باشد در آن می‌افتد.

¹⁵حماقت در وجود بچه نهفته است، ولی تنبیه آن را از او بیرون می‌کند.

¹⁶آنکه بخاطر نفع خودش به فقرا ظلم کند و به ثروتمندان هدیه دهد، عاقبت گرفتار فقر خواهد شد.

گفتار حکیمانه

¹⁷به این سخنان مردان حکیم که به تو یاد می‌دهم گوش فرا ده و با تمام وجود از آنها پیروی کن؛ زیرا حفظ کردن آنها در دل و قرار دادن آنها بر

¹⁶مرگ در انتظار کسانی است که از راه حکمت منحرف می‌شوند.

¹⁷کسی که خوشگذرانی را دوست دارد، تهیست می‌شود و آدم میگسار و عیاش هرگز ثروتمند نخواهد شد.

¹⁸بدکاران در همان دامی که برای درستکاران نهاده‌اند، گرفتار می‌شوند.¹⁹ سکونت در بیابان بی‌آب و علف بهتر است از زندگی کردن با زن ستیز مجو.

²⁰خانه شخص دانا از نعمت و ثروت پر است، ولی آدم نادان هر چه به دست می‌آورد بر باد می‌دهد.

²¹درستکار و مهربان باش تا عمر خوشی داشته باشی و از احترام و موفقیت برخوردار شوی.

²²یک مرد دانا می‌تواند شهر زورمندان را بگیرد و قلعه اعتمادشان را فرو بریزد.

²³هر که مواظب سخنانش باشد جانش را از مصیبت‌ها نجات خواهد داد.

²⁴کسانی که دیگران را مسخره می‌کنند، مغرور و متکبرند.

²⁵داشتن اشیای و آرزو برای شخص تنبیل کشنده است، زیرا برای رسیدن به آن تن به کار نمی‌دهد.

²⁶او تمام روز در آرزوی گرفتن به سر می‌برد؛ ولی شخص خداشناس سخاوتمند است و از بخشیدن به دیگران دریغ نمی‌کند.

²⁷خدا از قربانیهای بدکاران نفرت دارد، بخصوص اگر با نیت بد تقدیم شده باشد.

²⁸شاهد دروغگو نابود خواهد شد، اما سخنان شخص امین تا ابد باقی خواهد ماند.

²⁹آدم بدکار خودسرانه عمل می‌کند، اما شخص درستکار تمام جوانب امر را می‌سنجد.

³⁰هیچ حکمت و بصیرت و نقشه‌ای نمی‌تواند علیه خداوند عمل کند.

³¹انسان اسب را برای روز جنگ آماده می‌کند، ولی پیروزی را خداوند می‌بخشد.

نیکنامی برتر از ثروت هنگفت است و محبوبیت گرانبهارتر از طلا و نقره.

⁹ آدم احمق را نصیحت نکن، چون او سخنان حکیمانه تو را خوار خواهد شمرد.

¹⁰ سرحد ملک خود را که از قدیم تعیین شده، تغییر نده و زمین یتیمان را غصب نکن، ¹¹ «زیرا حامی» ایشان قدرتمند است و به داد آنها خواهد رسید.

¹² وقتی دیگران تو را تأدیب می‌کنند، با تمام دل آن را بپذیر و به سخنان آموزندشان گوش فرا ده.

¹³ ¹⁴ از تأدیب کردن فرزند خویش کوتاهی نکن. چوب تئیه او را نخواهد کشت، بلکه جان او را از هلاکت نجات خواهد داد.

¹⁵ پسر، اگر حکمت در دل تو باشد، دل من شاد خواهد شد ¹⁶ و هنگامی که دهانت به راستی سخن بگوید، وجود من به وجد خواهد آمد.

¹⁷ به بدکاران حسادت نوز، بلکه اشتیاق تو اطاعت از خداوند باشد؛ ¹⁸ زیرا در اینصورت آینده خوبی خواهی داشت و امید تو بر باد نخواهد رفت.

¹⁹ ای پسر، عاقل باش و به سخنانم گوش فرا ده. در راه راست گام بردار ²⁰ و با آدمهای میگسار و شکمپرست معاشرت نکن، ²¹ زیرا کسانی که کارشان فقط خوردن و خوابیدن است، فقیر و محتاج خواهند شد.

²² نصیحت پدرت را که تو را به وجود آورده گوش بگیر و مادر پیرت را خوار مشمار. ²³ در پی حقیقت

باش و حکمت و ادب و فهم را کسب کن و به هیچ قیمت آنها را از دست نده. ²⁴ ²⁵ فرزند دیرستگار و دانا باش تا مایه شادی و خشنودی پدر و مادرت شوی.

²⁶ ای پسر، به من گوش بده و از زندگی من سرمشق بگیر. ²⁷ بدان که زن بدکاره دام خطرناکی است. ²⁸ او مانند راهزن در کمین قربانیان خود می‌نشیند و باعث می‌شود مردان زیادی خیانتکار شوند.

²⁹ مصیبت و بدبختی گریبانگیر چه کسی می‌شود؟ آن کیست که دایم نزاع به پا می‌کند و می‌نالد، بی‌جهت زخمی می‌شود و چشمانش تار می‌گردد؟ ³⁰ کسی که دایم شراب می‌خورد و بدنبال میگساری می‌رود. ³¹ پس فریفته شراب قرمز نشو که در پیهاله به تو

زبان، کار پسندیده‌ای است. ¹⁹ این سخنان را امروز به تو تعلیم می‌دهم تا اعتماد تو بر خداوند باشد. ²⁰ این کلمات گزیده را که مملو از حکمت و اندرز است، برای تو نوشته‌ام ²¹ تا حقیقت را آنچنان که هست به تو یاد دهم و تو نیز آن را به کسانی که از تو سؤال می‌کنند، بیاموزی.

²² اشخاص فقیر را که حامی ندارند، استعمار نکن و حق بیچارگان را در دادگاه پایمال ننما؛ ²³ زیرا خداوند به داد ایشان خواهد رسید و کسانی را که به ایشان ظلم کرده‌اند بسزای اعمالشان خواهد رسانید.

²⁴ با اشخاص تندخو که زود عصبانی می‌شوند معاشرت نکن، ²⁵ مبادا مثل آنها شوی و زندگی خود را تباه کنی.

²⁶ ضامن دیگری نشو و تعهد نکن که او قرض خود را پس خواهد داد، ²⁷ زیرا اگر مجبور به پرداخت قرض او شوی و نتوانی آن را بپردازی، رختخوابت را از زیرت بیرون می‌کنند.

²⁸ سرحد ملک خود را که اجدادت از قدیم آن را تعیین کرده‌اند، به نفع خود تغییر نده.

²⁹ اگر کسی در کار خود ماهر باشد، بدان که جزو افراد گمنام نخواهد بود، بلکه به دربار پادشاهان راه خواهد یافت.

و وقتی با حاکم سر سفره می‌نشینی، بخاطر **23** بسپار با چه کسی روبرو هستی. ² اگر آدم

پرخور می‌هستی، کارد بر گلویت بگذار ³ و شیفته غذاهای لذیذ او نشو، زیرا ممکن است فریبی در کار باشد.

⁴ عاقل باش و برای به چنگ آوردن ثروت، خودت را خسته نکن، ⁵ زیرا ثروت ناپایدار است و مانند عتاب می‌پرد و ناپدید می‌شود.

⁶ از سفره آدم خسیس غذا نخور و برای غذاهای لذیذ او حریص نباش، ⁷ چون او حساب هر چه را که بخوری در فکرش نگه می‌دارد. او تعارف می‌کند و می‌گوید: «بخور و بنوش»، اما این را از ته دل نمی‌گوید. ⁸ لقمه‌ای را که خورده‌ای استقراغ خواهی کرد و تشکرات تو بر باد خواهد رفت.

خوبی در انتظارش خواهد بود و امیدهایش بر باد نخواهد رفت.

¹⁵ ای بدکاران، منتظر نباشید که خانهٔ درستکاران را غارت و ویران کنید، ¹⁶ زیرا شخص درستکار حتی اگر هفت بار هم بیفتد، باز بر خواهد خاست، اما بدکاران گرفتار بلا شده، سرنگون خواهند گردید.

¹⁷ وقتی دشمنان دچار مصیبتی می‌شود شادی نکن و هنگامی که می‌افتد دلشاد نشو، ¹⁸ زیرا ممکن است خداوند این کار تو را نپسندد و از مجازات او دست بردارد!

¹⁹ بسبب بدکاران خودت را ناراحت نکن و به آنها حسادت نورز، ²⁰ زیرا شخص بدکار آینده‌ای ندارد و چراغش خاموش خواهد شد.

²¹ پسر، از خداوند و پادشاه بترس و با کسانی که بضد ایشان شورش می‌کنند همدست نشو، ²² کیست که بداند خداوند یا پادشاه چه بلایی بر سر چنین کسان خواهد آورد؟

چند سخن حکیمانهٔ دیگر

²³ قاضی نباید در داوری از کسی طرفداری کند. ²⁴ هر که به مجرم بگوید: «تو بی‌گناهی»، مورد لعنت و نفرت همهٔ مردم واقع خواهد شد، ²⁵ ولی آنکه گناهکار را محکوم کند سعادت و برکت نصیبش خواهد گردید.

²⁶ جواب صادقانه مانند بوسهٔ دوست دلچسب است. ²⁷ اول کسب و کاری داشته باش بعد خانه و خانواده تشکیل ده.

²⁸ علیه همسایهٔ خود شهادت دروغ نده و سخنان نادرست در باره‌اش بر زبان نیاور. ²⁹ نگو: «هر چه بر سرم آورده تلافی خواهم کرد.»

³⁰ از کنار مزرعهٔ آدم تبیل و احمقی گذشتم. ³¹ همه جا خار رویده بود، علفهای هرز زمین را پوشانده و دیوار مزرعه فرو ریخته بود. ³² با دیدن این منظره به فکر فرو رفته و این درس را آموختم: ³³ کسی که دست روی دست می‌گذارد ودایم می‌خواهد و استراحت می‌کند، ³⁴ عاقبت فقر و تنگدستی چون راهزنی مسلح به سراغش خواهد آمد.

چشمک می‌زند و سپس به نرمی از گلویت پایین می‌رود؛ ³² زیرا در پایان، مثل مار سمی تو را نیش خواهد زد و چون افعی تو را خواهد گزید. ³³ چشمات چیزهای عجیب و غریب خواهند دید و گرفتار وهم و خیال خواهی شد. ³⁴ مانند کسی خواهی بود که بر سر دکل کشتی که دستخوش امواج دریاست خوابیده باشد. ³⁵ خواهی گفت: «مرا زدند ولی دردی احساس نمی‌کنم. کی به هوش می‌آیم تا پیاله‌ای دیگر بنوشم؟»

24

به اشخاص بدکار حسادت نورز و آرزو نکن که با آنها دوست شوی، ² زیرا تمام فکر و ذکر آنها این است که به مردم ظلم کنند.

³ خانه با حکمت بنا می‌شود و با فهم استوار می‌گردد، ⁴ اتاقهایش با دانایی از اسباب نفیس و گرانیقیمت پر می‌شود.

⁵ آدم دانا و فهیمه از قدرت زیاد برخوردار است و دایم به قدرت خویش می‌افزاید. ⁶ پیروزی در جنگ بستگی به تدابیر خوب و مشورت زیاد دارد.

⁷ احمق نمی‌تواند به حکمت دست یابد؛ وقتی موضوع مهمی مورد بحث قرار می‌گیرد، او حرفی برای گفتن ندارد.

⁸ کسی که دایم نقشه‌های پلید در سر بپروراند، عاقبت رسوا خواهد شد. ⁹ نقشه‌های آدم احمق گناه آلود است و کسی که دیگران را مسخره می‌کند مورد نفرت همهٔ مردم می‌باشد.

¹⁰ اگر نتوانی سختیهای زندگی را تحمل کنی، آدم ضعیفی هستی.

¹¹ از نجات دادن کسی که به ناحق به مرگ محکوم شده است کوتاهی نکن. ¹² تگو که از جریان بی‌خبر بوده‌ای، زیرا خدایی که جان تو در دست اوست و از دل تو آگاه است، می‌داند که تو از همه چیز با خبر بوده‌ای. او هر کسی را مطابق اعمالش جزا خواهد داد.

¹³ ⁴ پسر، همانطور که خوردن عسل کام تو را شیرین می‌کند، همچنان کسب حکمت برای جان تو شیرین خواهد بود. کسی که حکمت بیاموزد آیندهٔ

25

مثلهای دیگری از سلیمان که مردان حزقیاء، پادشاه بیهودا، آنها را به رشته

تحریر در آوردند:

²عظمت خدا در پوشاندن اسرارش می‌باشد، اما عظمت پادشاه در پی‌بردن به عمق مسایل.

³پی‌بردن به افکار پادشاهان مانند دست یافتن به آسمان و عمق زمین، غیر ممکن است.

⁴تاخالصی‌ها را از نقره جدا کن تا زرگر بتواند از آن ظرفی بسازد. ⁵اطرافیان بدکار پادشاه را از دور کن تا تخت او به عدالت پایدار بماند.

⁶وقتی بحضور پادشاه می‌روی خود را آدم بزرگی ندان و در جای بزرگان نایست، ⁷چون بهتر است به تو گفته شود: «بالا تر بنشین»، از اینکه تو را در برابر چشمان بزرگان در جای پایین‌تر بنشانند.

⁸وقتی با همسایه‌ات اختلاف داری با شتاب به دادگاه نرو، زیرا اگر در آخر ثابت شود که حق با وی بوده است، تو چه خواهی کرد؟

⁹وقتی با همسایه‌ات دعوا می‌کنی رازی را که از دیگری شنیده‌ای فاش نکن، ¹⁰زیرا دیگر کسی به تو اطمینان نخواهد کرد و تو بنام خواهی شد.

¹¹اسخنی که بجا گفته شود مانند نگینهای طلاست که در ظرف نقره‌ای نشانده باشند.

¹²تصیحت شخص دانا برای گوش شنوا مانند حلقه طلا و جواهر، با ارزش است.

¹³خدمتگزار امین همچون آب خنک در گرمای تابستان، جان اربابش را تازه می‌کند.

¹⁴کسی که دم از بخشنده‌گی خود می‌زند، ولی چیزی به کسی نمی‌بخشد مانند ابر و بادی است که باران نمی‌دهد.

¹⁵شخص صبور می‌تواند حتی حاکم را متقاعد کند و زبان نرم می‌تواند هر مقاومت سختی را در هم بشکند.

¹⁶اگر به عمل دست یافتی زیاد از حد نخور، زیرا ممکن است دلت بهم بخورد و استقراغ کنی. ¹⁷به خانه همسایه‌ات زیاد از حد نرو، مبادا از تو سیر و متفقر شود.

¹⁸شهادت دروغ مثل تبر و شمشیر و نیز صدمه می‌زند.

¹⁹اعتماد کردن به آدم خائن در زمان تنگی مانند جویدن غذا با دندان لق و دویدن با پای شکسته است.

²⁰تواضع خواندن برای آدم غصه‌دار مثل درآوردن لباس او در هوای سرد و پاشیدن نمک روی زخم اوست.

²¹اگر دشمن تو گرسنه است به او غذا بده و اگر تشنه است او را آب بنوشان. ²²باین عمل تو او را شرمند می‌سازد و خداوند به تو پاداش خواهد داد.

²³همانطور که باد شمال باران می‌آورد، همچنان بدگویی، خشم و عصبانیت به بار می‌آورد.

²⁴سکونت در گوشه پشت بام بهتر است از زندگی کردن با زن غرغرو در یک خانه.

²⁵خبر خوشی که از دیار دور می‌رسد، همچون آب خنکی است که به کام تشنه لب می‌رسد.

²⁶سازش آدم درستکار با آدم بدکار، مانند آلوده کردن منبع آب و گل‌آلود ساختن چشمه است.

²⁷همانطور که زیاده‌روی در خوردن عسل مضر است، طلبیدن تعریف و تمجید از مردم نیز ناپسند است.

²⁸کسی که بر نفس خویش تسلط ندارد، مثل شهری بی‌حصار است.

26

همانطور که باریدن برف در تابستان یا باران

در فصل درو خلاف قانون طبیعت است، همچنان است احترام گذاشتن به اشخاص نادان.

²تفرین، بر کسی که مستحق آن نیست اثری ندارد و مانند گنجشک یا پرستویی است که اینسو و آنسو پرواز می‌کند و در جایی نمی‌نشیند.

³شلاق برای اسب است و افسار برای الاغ، و چوب تنبیه برای آدم احقر.

⁴کسی که به سؤال احقرانه جواب دهد مثل سؤال کننده آن، احقر است. ⁵باید به سؤال احقرانه جواب احقرانه داد تا کسی که سؤال کرده خیال نکند عاقل است.

²³سخنان زیبا و فریبنده، شرارت دل را پنهان می‌سازد، درست مانند لعابی که ظرف گلی را می‌پوشاند.

²⁴شخص کینه‌توز با حرفهای کینه دلش را مخفی می‌کند؛²⁵ اما تو گول حرفهای فریبنده او را نخور، زیرا دلش پر از نفرت است.²⁶ اگر چه نفرتش را با حيله پنهان می‌کند، اما سرانجام پلیدی او بر همگان آشکار خواهد شد.

²⁷هر که برای دیگران چاه بکند، خود در آن خواهد افتاد. هر که سنگی بطرف دیگران بغلتاند، آن سنگ بر می‌گردد و بر روی خود او می‌افتد.
²⁸زبان دروغگو از مجروح شدگان خود نفرت دارد و دهان چاپلوس خرابی بار می‌آورد.

درباره فرای خود با غرور صحبت نکن،
27 زیرا نمدانی چه پیش خواهد آمد.

²هرگز از خودت تعریف نکن؛ بگذار دیگران از تو تعریف کنند.

³حمل بار سنگ و ماسه سخت است، اما تحمل ناراحتیهایی که یک آدم احمق ایجاد می‌کند، از آن هم سخت‌تر است.

⁴حسادت خطرناک‌تر و بی‌رحم‌تر از خشم و غضب است.

⁵سرزنش آشکار از محبت پنهان بهتر است.

⁶زخم دوست بهتر از بوسه دشمن است.

⁷شکم سیر حتی از عسل کراهت دارد، اما برای شکم گرسنه هر چیز تلخی شیرین است.

⁸کسی که از خانه‌اش دور می‌شود همچون پرنده‌ای است که از آشیانه‌اش آواره شده باشد.

⁹مشورت صمیمانه یک دوست همچون عطری خوشبو، دلپذیر است.

¹⁰دوست خود و دوست پرت را هرگز ترک نکن، و وقتی در تنگی هستی سراغ برادرت نرو؛ همسایه نزدیک بهتر از برادر دور می‌تواند به تو کمک کند.

¹¹پسرم، حکمت بیاموز و دل مرا شاد کن تا بتوانم جواب کسانی را که مرا سرزنش می‌کنند، بدهم.

⁶کسی که توسط آدم احمقی بی‌گام می‌فرستد مثل شخصی است که پای خود را قطع می‌کند و با زهر می‌نوشد.

⁷مثلی که از دهان شخص نادان بیرون می‌آید، مانند پای لنگ، سست است.

⁸احترام گذاشتن به آدم احمق، مانند بستن سنگ به فلاخن، کار احمقانه‌ای است.

⁹مثلی که از دهان آدم احمق بیرون می‌آید همچون خاری که به دست آدم مست فرو می‌رود و او حس نمی‌کند، بی‌اثر است.

¹⁰کسی که آدم احمقی را استخدام می‌کند مانند تیراندازی است که هر رهگذری را مجروح می‌سازد.

¹¹آدم احمقی که حماقت خود را تکرار می‌کند مانند سگی است که آنچه را که استفراغ کرده می‌خورد.

¹²کسی که در نظر خود عاقل است از یک احمق هم نادان‌تر است.

¹³آدم تنبیل پیش را از خانه بیرون نمی‌گذارد و می‌گوید: «شیرهای درنده‌ای در کوچها هستند!»

¹⁴او مانند دری که بر پاشنه‌اش می‌چرخد، در رختخوابش می‌غلند و از آن جدا نمی‌شود.¹⁵ دستش را بطرف بشقاب دراز می‌کند ولی از فرط تنبلی لقمه را به دهانش نمی‌گذارد.¹⁶ با این حال او خود را داناتر از هفت مرد عاقل می‌داند.

¹⁷کسی که در نزاعی دخالت می‌کند که به او مربوط نیست مانند شخصی است که گوشه‌های سگی را می‌کشد.

^{18,19}شخصی که همسایه خود را فریب بدهد و بعد بگوید که شوخی کرده است، مثل دیوانه‌ای است که به هر طرف آتش و تیرهای مرگبار پرت می‌کند.

²⁰هیزم که نباشد آتش خاموش می‌شود، سخن‌چین که نباشد نزاع فرو می‌نشیند.

²¹همانطور که زغال و هیزم آتش را مشتعل می‌کند، مرد ستیزه‌جو هم جنگ و نزاع بر پا می‌نماید.

²²حرفهای آدم سخن‌چین مانند لقمه‌های لذیذی است که با لذت بلعیده می‌شود.

28

بدکاران می‌گریزند، در حالیکه کسی آنها را تعقیب نمی‌کند! ولی خداشناسان چون شیر، شجاع هستند.

²وقتی ملتی گرفتار فساد شود، دولتش به آسانی سرنگون می‌گردد، اما رهبران درستکار و عاقل مایهٔ ثبات مملکت هستند.

³حاکمی که بر فقرا ظلم می‌کند مانند باران تند است که محصول را از بین می‌برد.

⁴بی‌توجهی نسبت به قانون، ستایش بدکاران است ولی اطاعت از آن، مبارزه با بدی می‌باشد.

⁵عدالت برای بدکاران بی‌معنی است، اما پیروان خداوند اهمیت آن را خوب می‌دانند.

⁶انسان بهتر است فقیر و درستکار باشد تا ثروتمند و کلاهبردار.

⁷جوانی که از قوانین الهی اطاعت کند داناست، اما کسی که همدم اوباش و اراذل شود مایهٔ ننگ پدرش می‌باشد.

⁸مالی که از راه رباخواری و بهره‌کشی از فقرا حاصل شود عاقبت به دست کسی می‌افتد که بر فقرا رحم می‌کند.

⁹خدا از دعای کسانی که احکام او را اطاعت نمی‌کنند، کراهت دارد.

¹⁰هر که دام بر سر راه شخص درستکار بنهد و او را به راه بد بکشاند، عاقبت به دام خود گرفتار خواهد شد، ولی اشخاص نیک پاداش خوبی خواهند یافت.

¹¹ثروتمندان خود را دانا می‌پندارند، اما فقیر خردمند از واقعیت درون آنها با خبر است.

¹²وقتی نیکان پیروز می‌شوند، همه شادی می‌کنند، اما هنگامی که بدکاران به قدرت می‌رسند، مردم خود را پنهان می‌کنند.

¹³هر که گناه خود را ببوشاند، هرگز کامیاب نخواهد شد، اما کسی که آن را اعتراف کند و از آن دست بکشد خدا بر او رحم خواهد کرد.

¹²شخص زیرک خطر را پیش‌بینی می‌کند و از آن اجتناب می‌نماید، ولی آدم جاهل بسوی آن می‌رود و خود را گرفتار می‌کند.

¹³از کسی که نزد تو ضامن شخص غریبی می‌شود، گرو بگیر.

¹⁴اگر صبح زود با دعای خیر برای دوستت او را از خواب بیدار کنی، دعای تو همچون لعنت خواهد بود.

¹⁵غرغره‌های زن بهانه‌گیر مثل چک‌چک آب در روز بارانی است؛ ¹⁶همانطور که نمی‌توان از وزیدن باد جلوگیری کرد، و یا با دستهای چرب چیزی را ننگ داشت، همانطور هم محال است بتوان از غرغر چنین زنی جلوگیری کرد.

¹⁷همانطور که آهن، آهن را می‌تراشد، دوست نیز شخصیت دوستش را اصلاح می‌کند.

¹⁸هر که درختی پیرواند از میوه‌اش نیز خواهد خورد و هر که به اربابش خدمت کند پاداش خدمتش را خواهد گرفت.

¹⁹همانطور که انسان در آب، صورت خود را می‌بیند، در وجود دیگران نیز وجود خویش را مشاهده می‌کند.

²⁰همانطور که دنیای مردگان از بلعیدن زندگان سیر نمی‌شود، خواسته‌های انسان نیز هرگز ارضاء نمی‌گردد.

²¹طلا و نقره را بوسیلهٔ آتش می‌آزمایند، ولی انسان را از عکس‌العملش در برابر تعریف و تمجید دیگران می‌توان شناخت.

²²اگر احمق را در داخل هاون هم بکوبی حماقتش از او جدا نمی‌شود.

^{24,23}مال و دارایی زود از بین می‌رود و تاج و تخت پادشاه تا ابد برای نسل او باقی نمی‌ماند. پس تو با دقت از گله و رمهات مواظبت کن، ²⁵زیرا وقتی علوفه چیده شود و محصول جدید به بار آید و علف کوهستان جمع آوری شود، ²⁶آنگاه از پشم گوسفندان لباس تهیه خواهی کرد، از فروش بزهایت زمین خواهی خرید ²⁷و از شیر بقیهٔ بزها تو و خانواده و کنیزانت سیر خواهید شد.

²⁸هنگامی که بدکاران به قدرت می‌رسند، مردم خود را پنهان می‌کنند، اما وقتی بدکاران سقوط کنند در دستکاران دوباره قدرت را به دست خواهند گرفت.

کسی که بعد از تنبیه بسیار، باز سرسختی کند، ناگهان خرد خواهد شد و دیگر عاجی نخواهد داشت.

29

²وقتی قدرت در دست نیکان است مردم شادند، اما قدرت که به دست بدان بیفتد مردم می‌نالند.

³پسر عاقل پدرش را خوشحال می‌کند، اما پسری که بدنبال زنان بدکاره می‌رود اموالش را برباد می‌دهد.

⁴پادشاه عاقل به مملکتش ثبات می‌بخشد، اما آنکه رشوه می‌گیرد مملکت خود را نابود می‌کند.

⁵شخص متملق با چاپلوسی‌های خود به دوستش صدمه می‌زند.

⁶بدکاران در دام گناه خود گرفتار می‌شوند، اما شادی نصیب در دستکاران می‌گردد.

⁷شخص در دستکار نسبت به فقرا باانصاف است، اما آدم بدکار به فکر آنها نیست.

⁸آدم احمقی که همه را مسخره می‌کند می‌تواند شهری را به آشوب بکشاند، اما شخص دانا تلاش می‌کند صلح و آرامش برقرار نماید.

⁹بحث کردن با آدم نادان سودی ندارد، زیرا او یا عصبانی می‌شود یا مسخره می‌کند.

¹⁰افرادی که تشنه خون هستند از اشخاص در دستکار متفرند و قصد جانشان را دارند.

¹¹آدم نادان خشم خود را فوری بروز می‌دهد، اما شخص دانا جلو خشم خود را می‌گیرد.

¹²اگر حاکم به حرفهای دروغ گوش کند، تمام افرادش دروغگو خواهند شد.

¹³فقیر و ثروتمند در یک چیز مثل هم هستند: خداوند به هر دو آنها چشم بینا داده است.

¹⁴پادشاهی که نسبت به فقرا باانصاف باشد، سلطنتش همیشه پایرا خواهد ماند.

¹⁵برای تربیت بچه، چوب تادیب لازم است. اگر او را به حال خود واگذاری و ادب نکنی، باعث

سرافکندگی مادرش خواهد شد.

¹⁴خوشایه حال کسی که ترس خدا را در دل دارد، زیرا هر که نسبت به خدا سرسخت باشد گرفتار بلا و بدبختی می‌شود.

¹⁵مردم بیچاره‌ای که زیر سلطه حاکم ظالمی هستند، مانند کسانی می‌باشند که گرفتار شیر غران یا خرس گرسنه شده باشند.

¹⁶سلطان نادان به ملت خود ظلم می‌کند. پادشاهی که از نادرستی و رشوه‌خواری نفرت داشته باشد، سلطنتش طولانی خواهد بود.

¹⁷عذاب وجدان شخص قاتل او را بسوی مجازات خواهد برد، پس تو سعی نکن او را از عذابش برهانی.

¹⁸هر که در راه راست ثابت‌قدم باشد در امان خواهد ماند، اما کسی که به راه‌های کج برود خواهد افتاد.

¹⁹هر که در زمین خود زراعت کند نان کافی خواهد داشت، اما کسی که وقت خود را به بطالت بگذراند فقر گریبانگیر او خواهد شد.

²⁰اشخاص در دستکار کامیاب خواهند شد، اما کسانی که برای ثروتمند شدن عجله می‌کنند بی‌سزا نخواهند ماند.

²¹طرفداری، کار درستی نیست؛ اما هستند قضاتی که بخاطر یک لقمه نان، بی‌انصافی می‌کنند.

²²آدم خسیس فقط به فکر جمع‌آوری ثروت است غافل از اینکه فقر در انتظار اوست.

²³اگر اشتباه کسی را به او گوشزد کنی، در آخر از تو بیشتر قدردانی خواهد کرد تا از کسی که پیش او چاپلوسی کرده است.

²⁴کسی که والدین خود را غارت می‌کند و می‌گوید: «کار بدی نکردم»، دست کمی از یک آدمکش ندارد.

²⁵حرص و آز باعث جنگ و جدال می‌شود؛ اما توکل نمودن به خداوند انسان را کامیاب می‌کند.

²⁶هر که بر نقشه‌های خود تکیه می‌کند احق است، ولی آنانی که از تعالیم خدا پیروی می‌نمایند، در امان می‌باشند.

²⁷اگر به فقرا کمک کنی، هرگز محتاج نخواهی شد؛ ولی اگر روی خود را از فقیر برگردانی، مورد

لعنت قرار خواهی گرفت.

کرده است؟ نامش چیست و پسرش چه نام دارد؟ اگر می‌دانی بگو!

⁵سخنان خدا تمام پاک و مبراست. او مانند یک سیر از تمام کسانی که به او پناه می‌برند محافظت می‌کند. ⁶به سخنان او چیزی اضافه نکن، مبادا تو را توبیخ نماید و تو دروغگو قلمداد شوی.

⁷ای خدا، قبل از آنکه بمیرم دو چیز از تو می‌طلبم: ⁸مرا از دروغ گفتن حفظ کن و مرا نه تهیست بگردان و نه ثروتمند، بلکه روزی مرا به من بده؛ ⁹چون اگر ثروتمند شوم ممکن است تو را انکار کنم و بگویم: «خداوند کیست؟» و اگر تهیست گرم امکان دارد دزدی کنم و نام تو را بی‌حرمت نمایم.

¹⁰هرگز از کسی نزد کارفرمایش بدگویی نکن، مبادا به نفرین او گرفتار شوی.

¹¹هستند کسانی که پدر و مادر خود را نفرین می‌کنند. ¹²هستند کسانی که خود را پاک می‌دانند در حالی که به گناه آلوده‌اند. ¹³هستند کسانی که از نگاهشان کبر و غرور می‌بارد، ¹⁴هستند کسانی که دندانهای خود را نیز می‌کنند تا بجان مردم فقیر بیفتند و آنها را ببلعند.

¹⁵در دنیا چهار چیز مثل زلوس است که هر چه می‌خورد سیر نمی‌شود: ¹⁶دنیای مردگان،

رحم نازا،

زمین بی‌آب،

آتش مشتعل.

¹⁷کسی که پدر خود را مسخره کند و مادرش را تحقیر نماید، کلاغها چشمانش را از کاسه در می‌آورند و لاشخورها بدنش را می‌خورند.

¹⁸چهار چیز برای من بسیار عجیبند و من آنها را نمی‌فهمم:

¹⁹پرواز عقاب در آسمان،

خزیدن مار روی صخره،

عبور گشتی از دریا،

و به وجود آمدن عشق بین زن و مرد.

²⁰زن بدکاره زنا می‌کند و با بی‌شرمی می‌گوید:

«گناهی نکرده‌ام!»

¹⁶وقتی اشخاص بدکار به قدرت می‌رسند، فساد زیاد می‌شود؛ ولی قدرت آنها دوامی نخواهد داشت و نیکان سقوط آنها را به چشم خواهند دید.

¹⁷فرزند خود را تأدیب کن تا باعث شادی و آرامش فکر تو شود.

¹⁸در جایی که پیام خدا نیست، مردم سرکش می‌شوند. خوشبحال قومی که احکام خدا را به جا می‌آورند.

¹⁹خدمتکار را نمی‌توان تنها با نصیحت اصلاح کرد، زیرا او هر چند حرفهای تو را بفهمد ولی به آنها توجه نخواهد کرد.

²⁰شخصی که بدون فکر کردن و با عجله جواب می‌دهد از یک احمق هم بدتر است.

²¹غلامی که اربابش او را از کودکی به ناز پرورده باشد، برای اربابش غلامی نخواهد کرد.

²²شخص تندخو نزاع به پا می‌کند و باعث ناراحتی می‌شود.

²³تکبر، انسان را به زمین می‌زند، ولی فروتنی منجر به سربلندی می‌شود.

²⁴کسی که با دزد رفیق می‌شود، دشمن جان خویش است، زیرا شهادت دروغ می‌دهد و به این ترتیب خود را زیر لعنت قرار می‌دهد.

²⁵کسی که از انسان می‌ترسد گرفتار می‌شود، اما شخصی که به خداوند توکل می‌کند در امان می‌ماند.

²⁶بسیاری از مردم از حاکم انتظار لطف دارند غافل از اینکه خداوند است که حق هر کس را می‌دهد.

²⁷درستکاران از بدکاران نفرت دارند و بدکاران از درستکاران.

سخنان آگور

نها سخنان گزیده آگور، پسر یاقه است
30 خطاب به ایتی‌نیل و اوکال:

²من نادان‌ترین و بی‌فهم‌ترین آدمیان هستم. ³حکمتی در من نیست و شناختی از خدا ندارم. ⁴آن کیست که

آسمان و زمین را زیر پا می‌گذارد؟ آن کیست که باد را در دست خود نگه می‌دارد و آنها را در ردای خود می‌پیچد؟ آن کیست که حدود زمین را برقرار

تلخکام هستند،⁷ تا بنوشند و فقر و بدبختی خود را فراموش کنند.
⁸ دهان خود را باز کن و از حق کسانی که بی‌زبان و بی‌چاره اند دفاع کن. ⁹ دهان خود را باز کن و به انصاف دوری نما و به داد فقیران و محتاجان برس.

خصوصیات یک همسر خوب

¹⁰ یک زن خوب را چه کسی می‌تواند پیدا کند؟ ارزش او از جواهرات هم بیشتر است!¹¹ او مورد اعتماد شوهرش می‌باشد و نمی‌گذارد شوهرش به چیزی محتاج شود. ¹² در تمام روزهای زندگی به شوهرش خوبی خواهد کرد، نه بدی. ¹³ پشم و کتان می‌گیرد و با دستهای خود آنها را می‌ریسد. ¹⁴ او برای تهیه خوراک، مانند کشتیهای بازرگانان به راههای دور می‌رود. ¹⁵ قبل از روشن شدن هوا، بیدار می‌شود و برای خانواده‌اش خوراک آماده می‌کند و دستورات لازم را به کنیزانش می‌دهد. ¹⁶ مزرعه‌ای را در نظر می‌گیرد و پس از بررسیهای لازم آن را می‌خرد و با دسترنج خود تاکستان ایجاد می‌کند. ¹⁷ او قوی و پرکار است. ¹⁸ به امور خرید و فروش رسیدگی می‌نماید و شبها تا دیروقت در خانه کار می‌کند. ¹⁹ با دستهای خود نخ می‌ریسد و پارچه می‌بافد. ²⁰ او دست و دل باز است و به فقرا کمک می‌کند. ²¹ از برف و سرما باکی ندارد، چون برای تمام اهل خانه‌اش لباس گرم بافته است. ²² برای خود نیز لباسهای زیبا از پارچه‌های نفیس می‌دوزد. ²³ ²⁴ او لباس و کمر بند تهیه می‌کند و به تاجرها می‌فروشد. شوهر چنین زنی در میان بزرگان شهر مورد احترام خواهد بود. ²⁵ او زنی است قوی و با وقار و از آینده نمی‌ترسد. ²⁶ سخنانش پر از حکمت و نصیحت محبت‌آمیز است. ²⁷ او تبدیلی نمی‌کند، بلکه به احتیاجات خانواده‌اش رسیدگی می‌نماید. ²⁸ فرزندان او را می‌ستایند و شوهرش از او تمجید نموده، می‌گوید: ²⁹ «تو در میان تمام زنان خوب، بی‌نظیر هستی!»

²¹ چهار چیز است که زمین تاب تحملش را ندارد و از شنیدنش می‌لرزد:
²² برده‌ای که پادشاه شود،
 احمقی که سیر و توانگر گردد،
²³ زن بداخلاقی که شوهر کرده باشد،
 و کنیزی که جای بانوی خود را بگیرد.
²⁴ تر زمین چهار موجود کوچک و دانا وجود دارند:
²⁵ مورچه‌ها که ضعیف هستند ولی برای زمستان خوراک ذخیره می‌کنند،
²⁶ گورکنها که ناتوانند اما در میان صخره‌ها برای خود لانه می‌سازند،
²⁷ ملخها که رهبری ندارند ولی در دسته‌های منظم حرکت می‌کنند،
²⁸ و مارمولکها که می‌توان آنها را در دست گرفت،
 اما حتی به کاخ پادشاهان نیز راه می‌یابند.
²⁹ چهار موجود هستند که راه رفتیشان با وقار است:
³⁰ شیر که سلطان حیوانات است و از هیچ چیز نمی‌ترسد،
³¹ طاووس،
 بز نر،

و پادشاهی که سپاهانش همراه او هستند.
³² اگر از روی حماقت مغرور شده‌ای و اگر نقشه‌های پلید در سر پرورنده‌ای، به خود بیا و از این کارت دست بکش. ³³ از زدن شیر، کره به دست می‌آید؛ از ضربه زدن به دماغ خون جاری می‌شود؛ و از برانگیختن خشم، نزاع درمی‌گیرد.

نصیحت به یک پادشاه

اینها سخنان گزیده‌ای است که مادر لمونیل پادشاه به او تعلیم داد:

31

¹ ای پسر من، ای پسری که تو را در جواب دعاهایم یافته‌ام، ² نیروی جوانی خود را صرف زنان نکن، زیرا آنها باعث نابودی پادشاهان شده‌اند.
³ ای لمونیل، شایسته پادشاهان نیست که می‌گساری کنند، ⁴ چون ممکن است قوانین را فراموش کرده نتوانند به داد مظلومان برسند. ⁵ شراب را به کسانی بده که در انتظار مرگند و به اشخاصی که دلتنگ و

³⁰زیبایی فریبنده و ناپایدار است، اما زنی که خداترس باشد قابل ستایش است.³¹ پاداش کارهایش را به او بدهید و بگذارید همه او را تحسین کنند.